

## یادداشت سیاسی

## ثبت یک روز تاریخی دیگر توسط دانشجویان

مهدی سامع

در صفحه ۲



### آغاز سال جدید میلادی مبارک باد

سرمقاله

زیر پوست مناقشه ی «دوم خرداد» بر سر  
«رفراندوم»

در صفحه ۳

چالشها و رویدادهای جنبش کارگران و  
مزدبگیران در آذر ماه

در صفحه ۴

سال ۲۰۰۴ در یک نگاه

در صفحه ۶

انرژی بهانه است. هدف سلاح اتمی است

در صفحه ۷

رویدادهای هنری

در صفحه ۸

زنان در مسیر رهایی

در صفحه ۹

### ولایت فقیه مانع اصلی انتخابات آزاد

انتخابات ریاست جمهوری اسلامی و یا به بیان دقیقتر و به تعبیر سید محمد خاتمی، انتخاب یک «تدارکچی» برای نظام ولایت فقیه به چالشی مهم در میان جناحها و باند های درون نظام تبدیل شده است. جدال بین باندهای طرفدار ذوب در ولایت برای توافق در مورد یک «کوتوله سیاسی»، احتمال کاندیدا شدن هاشمی رفسنجانی و تشتت مداوم در جبهه ی دوم خرداد از یک سو و از سوی دیگر بیزاری مردم از کل نظام و عزم زنان و مردان ایران زمین برای تحریم یکپارچه انتخاباتی که قرار است در بهار آینده برگزار شود، نشان دهنده عمق و وسعت بحران دامنگیر ولایت خامنه ای است.

تازه به دوران رسیده هایی که از درون سپاه پاسداران با نام بی مسمای «آبادگران» به عرصه سیاست گذاری وارد شده اند، در صددند تا این بخش از نیروی اجرایی را اشغال کنند. روز جمعه ۲۷ آذر تمامی ایادی خامنه ای گرد هم آمدند تا در مورد معرفی یک کاندیدا به توافق دست یابند. در این گردهمایی که علی اکبر ناطق نوری به نیابت از خامنه ای آن را اداره می کرد به علت پافشاری آبادگران بر علی لاریجانی توافق بر سر ولایتی صورت نگرفت. حبیب الله عسگرآولادی در مورد ناموفق بودن این اجلاس می گوید: «از اول انقلاب تاکنون چنین فرصتی نداشتیم و باید به افرادی که تعصب می ورزند، سفارش شود که این فرصت را تبدیل به تهدید نکنند..... اگر با اختلاف این فرصت از بین برود دیگر بعید است که مجددا فرصتی برای تشکیل دولت داشته باشیم.» (شرق، شماره روز شنبه ۲۸ آذر)

و ناطق نوری می گوید: «باید یک نفر را برگزینیم و از اصلاح نامقبول بگذریم و به انتخاب نه صالح ترین بلکه شخصی مقبول برویم.» (همشهری، شماره روز شنبه ۲۸ آذر) تهدیدی که عسگر اولادی از آن صحبت می کند حضور هاشمی رفسنجانی در عرصه رقابت است. بقیه در صفحه ۲

روز جهانی ایدز، افزایش شمار مبتلایان

در صفحه ۱۱

جهان در آینه مرور

در صفحه ۱۴

جامعه شناسی انقلاب فلسطین  
(قسمت اول)

در صفحه ۱۶

## یادداشت سیاسی

بقیه از صفحه ۱

هاشمی رفسنجانی در کمین است تا به خامنه ای بفهماند که مقابله با بحرانهای موجود در عرصه داخلی و بین المللی خارج از ظرفیت کوتوله های سیاسی می باشد و بدین ترتیب همه را و منجمله ولی فقیه نظام را وادار به قبول نقش نجابتبخش خود کند.

در این میان تئوریسینهای جبهه ی درهم شکسته دوم خرداد که به علت سابقه ی شعلی خود در نهادهای امنیتی از رویکرد مردم به خوبی آگاه هستند تلاش می کنند تا از فرو پاشی توهم «اصلاح درونی نظام» جلوگیری کرده و با به هم بافتن مشتی حرفهای کهنه شده، مردم و نیروهای پیشروی اجتماعی را از هر حرکت مستقل بازدارند.

حرکت دانشجویان در روز ۱۶ آذر امسال که بنا به گفته بسیاری از ناظران سیاسی، دانشجویان لاشه سیاسی خاتمی را به خاک سپردند، تئوریسینهای دوم خرداد را وادار کرده که هریک به نوعی جنبش پیشتاز دانشجویان و جوانان را از حرکت مستقل بازدارند.

سخنرانیها و نوشته های آقایان سعید حجاریان، علی ربیعی و سید مصطفی تاج زاده در همین رابطه قابل درک است.

سرمقاله روزنامه شرق در روز یکشنبه ۲۹ آذر به مجادله با کسانی که انتخابات ریاست جمهوری اسلامی را تحریم خواهند کرد پرداخته است. در ابتدای این سرمقاله که نویسنده آن سید مصطفی تاج زاده است نوشته شده: «دو جریان با برپایی «انتخابات آزاد» مخالفتند. «اقتدارگراها» و «براندازان» اعم از مجاهدین خلق، سلطنت طلبان، مارکسیستهای معارض که برپایی انتخابات آزاد را نشانه و موجب افزایش مشروعیت جمهوری اسلامی و انزوای بیشتر خود ارزیابی می کنند. در یکی دو سال اخیر عده ای که خود را اصلاح طلب رادیکال می خوانند، با این استدلال که شرکت در انتخابات موجب یاس و ناامیدی شهروندان می شود، از تحریم انتخابات حمایت کرده، عدم شرکت در آن را گامی در جهت تقویت دموکراسی خواهی می خوانند.»

آقای تاج زاده برای آن که به استدلالهای بی پایه خود در مورد نفی سیاست «تحریم» رنگ و لعاب

تئوریک بزند به موافقان تحریم توصیه می کند که کتاب «بیماری کودکی چپ روی» (بدون معرفی لنین به عنوان نویسنده آن) را مطالعه کنند تا «خود ملاحظه کنند رادیکالترین انقلابیون قرن بیستم این راهبرد را چگونه نقد کرده اند.»

تردیدی نیست که سید مصطفی تاج زاده دچار توهم وجود «انتخابات آزاد» در نظام ولایت فقیه نیست و مهمتر این که او هرگز به یک انتخابات آزاد اعتقادی ندارد. اگر تاج زاده به انتخابات آزاد اعتقاد داشت، انتخابات روز دوم خرداد سال ۱۳۷۶ را «آزاد» اعلام نمی کرد.

تاج زاده از یک طرف می نویسد که: «روشن است که انتخابات آزاد مستلزم وجود آزادی بیان، مطبوعات و احزاب است.» و از طرف دیگر مارکسیستها را به خاطر آن که هیچ انتخاباتی را در چارچوب نظام ولایت فقیه و با وجود شورای نگهبان و نظارت استصوابی و در فقدان «آزادی بیان، مطبوعات و احزاب» آزاد و دمکراتیک نمی دانند مورد تهاجم قرار می دهد و آنان را مخالف انتخابات آزاد و همسو با ایادی خامنه ای که تاج زاده آنان را «اقتدارگراها» می نامد اعلام می کند.

وقتی دانشجویان در روز ۱۶ آذر خاتمی را متهم به عقب نشینی از انجام قولهایش کردند، خاتمی در پاسخ گفت: «عقب نشینی از چه؟ چرا دوستان فکر و تصور می کنند و وقتی تصورشان جور نشد، می گویند عقب نشینی! بنده چه شعاری دادم که از آن عقب نشینی کردم؟ (دانشجویان فریاد زدند آزادی انتخابات) که رییس جمهور به آنها گفت: جا برای بحث وجود دارد. بوی ادامه داد: اگر هم عقب نشینی بوده، بنده در مقابل هیچ کس و هیچ چیز عقب نشینی نکرده ام، در مقابل نظامی که به آن معتقدم، عقب نشینی کرده ام» (ایسنا ۱۶ آذر ۱۳۸۳)

خاتمی راست می گوید و از ابتدا هم همواره سرسپردگی خود را به ولی فقیه نظام اعلام می کرد. در این میان کسانی اشتباه کردند که به خاتمی توهم داشتند و او را «اصلاح طلب» معرفی می کردند.

در سرمقاله روز سه شنبه ۱۷ آذر نوشته شده: «دیروز روز سختی را از سر گذرانیم. روزی که گروهی از ما (رای دهندگان به محمد خاتمی) نه در نفی خاتمی که در نفی رای خویش سخن گفتیم و نه فقط نقد که نهیب سردادیم.»

هفته نامه صدا که در اصفهان منتشر می شود در شماره روز جمعه ۲۷ آذر حضور خاتمی در روز ۱۶ آذر را «پایان دردناک رئیس جمهوری» اعلام کرده و در مورد برخورد دانشجویان با وی می نویسد: «باید جلوی نفرت را گرفت زیرا اگر فیتله این نفرت و خشم آتش بگیرد، خدا می داند چه بر سر این ملک و ملت خواهد آمد.»

روزنامه ایران جمعه در شماره روز ۲۰ آذر خود به خوبی نقش خاتمی و امثال او را توضیح داده است. این روزنامه در مورد حرفهای خاتمی در روز ۱۶ آذر می نویسد: «سید فاطمی باز هم ترجیح داد که موضوعات را باز نکند و در نقش رئیس شورای عالی امنیت ملی ایران به خوبی وظیفه خود را ایفا کرد زیرا او مثال بارز این ضرب المثل است که -گر برده بر افتد نه تو مانی و نه من-»

از این روشنتر و صریحتر نمی توان در مورد خاتمی و هواداران او همچون سید مصطفی تاج زاده حرفی زد. بقای اینان در گروهی بقای نظام استبدادی مذهبی ولایت فقیه است و اگر «برده» ولایت فقیه «برافتد» نه خامنه ای «می ماند» و نه خاتمی و تاج زاده.

همه ی افراد و جریانهایی که در چارچوب نظام حاکم قرار دارند و متعهد و ملتزم به اصل ولایت فقیه که از نظر قانون اساسی جمهوری اسلامی غیر قابل تغییر است می باشند، نمی توانند به انتخابات آزاد معتقد و به رای مردم وفادار باشند. اولین و مهمترین شرط برای یک انتخابات آزاد، نفی ولایت فقیه، نفی استبداد مذهبی حاکم بر ایران و استقرار یک جمهوری دمکراتیک بر اساس جدایی دین از دولت است.

دوشنبه ۳۰ آذر ۱۳۸۳



### ثبت یک روز تاریخی دیگر توسط جنبش دانشجویی

منصور امان

دانشجویان سراسر کشور با برگزاری گردهمایی و نشستهای سخنرانی، به استقبال شانزدهم آذر رفتند. در این آیینها، جنبش دانشجویی برآمچهای آزادخواهانه خویش پای فشرد و نشان داد که خط سرخ اعتراض و مبارزه در دانشگاه، همچنان دهه های گذشته و امروز را به یکدیگر پیوند می دهد.

در تبریز بیش از دوهزار دانشجو در تریبون آزاد دانشگاه این شهر شرکت کردند و با ایراد سخنرانی و سردادن شعارهایی علیه استبداد و سرکوب، ۱۶ آذر را گرامی داشتند. در مشهد به همین گونه، دانشجویان دانشگاه فردوسی، گردهم آمدند تا بر مطالبات دمکراتیک و ضد استبدادی خود تاکید کرده و اراده خویش برای تداوم مبارزه را به نمایش بگذارند.

برجسته ترین نمود اراده مبارزاتی جنبش دانشجویی در این روز، در دانشگاه تهران به ثبت رسید. دانشجویان با به چالش گرفتن مستقیم رییس جمهور رژیم ملاما، یک روز تاریخی دیگر را رقم زدند.

هزاران دانشجو، نمایش حکومتی که به بازیگری رییس جمهور «اصلاح طلب» آن روی پرده رفته بود را از نخستین دقایق اجراء با فریادهای

اعتراض، شعارهای افشاگرانه، پلاکاردهایی با مضامینی علیه استبداد دینی و مقاومت در برابر صدها گماشته امنیتی، حراست، بسیجی و جز آن، برهم زدند. باوجود آنکه عوامل حکومت تلاش کرده بودند، سالن این نمایش رسوا را با وابستگان و گماشتگان خود پر کنند، دانشجویان از سدهای چیده شده عبور کرده و مانع فیصله یافتن بی دردرس و بی هزینه ی آن شدند. در حالیکه شعارهای «زندانی سیاسی آزاد باید گردد»، «خاتمی می لرزد، از دانشجو می ترسد»، «مرگ بر استبداد» توسط هزاران دانشجو در بیرون سالن تکرار می شد، در داخل سالن نیز نه خاتمی و نه هیچیک از «نمایندگان» خود خودخوانده ی دانشجویان، موفق به رها کردن گریبان خود از چنگ فریادهای اعتراضی و سخنان افشاگرانه ی دانشجویان نشدند.

۱۶ آذر ۱۳۸۳ به مثابه روزی که «اصلاحات» دروغین جمهوری اسلامی به همراه مترسک آن به زیر کشیده شد، در تاریخ جنبش دمکراتیک و انقلابی مردم ایران به ثبت خواهد رسید. موج خشم دانشجویان در این روز، توهم دگرگونی در چارچوب جمهوری اسلامی را رویداد و به روشنی نشان داد که به سوی کدام افق یال برکشیده است.

۱۷ آذر ۱۳۸۳

## زیر پوست مناقشه ی "دوم خرداد" بر سر "رفراندوم"

منصور امان

پیشنهاد دهندگان رفراندوم، خطاب به آقای حجاریان می گوید: "بازی را باخته اید، درست تر آن که بگویم بازی را باخته ایم." پیروان شرمگین "اصلاحات"، "دوستان" را به خیالبافی و بی تجربه گی متهم می کنند و در مقابل پاسخ می شنوند که که به عنوان نفع بر و روزی خور دیوانسالاری حاکم، جز این نمی توانند استدلال کنند.

تلخکامی و برآشفستگی طیف مدافع سیاست کنونی، فهم پذیر است. آنان به عنوان مروجان "خودی" تغییر، نمی توانند به استقبال از ایده و راهکاری بشتابند که اصلاح ناپذیر بودن "نظام" در مقدمات آن گنجانده شده است. این به معنای نفی صریح نقش خود و

می کند و در دیگر سو نیز، "افراطیها" مسبب وضعیت تاسف بار کنونی معرفی می شوند. اما آنچه که هر دوی اینان در ریشه یابی علل شکست "اصلاحات" معرفی می کنند، تنها رویه ی گمراه کننده سیاست می تواند به شمار آید. زیر پوست دلایل متفاوت شکست، نبض جنبش اجتماعی و مطالبات آن است که تبیین گرفته و شمشیر هموست که سرنوشت "دوم خرداد" را بر تن زنده ی گرایشات

ارتباط پایین و بالا را تشکیل می دهد - نه فقط از دیروز و امروز - به سوی الزامات عینی تحقق این اراده و راههای به زیر کشیدن حکومت جهت یافته است. التهاب اجتماعی که از تلاش برای پرکردن فاصله میان خواست و ابزار مادیت بخشیدن بدان برخاسته، در اشکال گوناگونی تجسم می یابد که هریک به تنهایی برای به اندیشه واداشتن دستگاه قدرت و پاره های آن کافی به نظر می رسد.

هنگامی که قیام دانشجویی ۷۸، رژیم به همراه بازوهای پرشمار سرکوب اش را از خیابانها جارو کرد، این فقط باند ولی فقیه نبود که خویشان را برآستانه پرتگاه می یافت. تلاش سرآسیمه "جبهه دوم خرداد" به منظور مهار قیام و جلوگیری از گسترش آن، بیانگر درک آماجی بود که دانشجویان فراروی خود نهاده بودند و بسا فراتر از "اصلاحات" و "چانه زنی" بی حاصل را نشانه می گرفت. همزمان، این یافته ی ناگوار، تجزیه گردآمدگان پیرامون پلاتفرم "اصلاحات" را اجتناب ناپذیر می ساخت و گرایشاتی از این جمله را به خروج از بن بست که نازایی "نظام" بدان رهنمونشان ساخته بود، تشویق می کرد.

انتخابات شوراهای اسلامی و کمدی بی تماشاچی تحسن در مجلس، می توانست همچونی سمی کشنده آخرین امیدهای هر دو سوی این طیف را به قرار بین دو صندلی از میان ببرد. ریزش نیرو در "دوم خرداد" آغاز شده بود و قلم گرفتن این روز از تقویم خانگی، اجباری بی پاداش را مانده است که برای به زمین نهادن بار گرانسنگ یک ادعا، "مردمسالاری دینی"، از آن گزیری نیست.

"نظام" یا برجای حکومتی در "دوم خرداد"، فرو ریخته و روندی که هر دگرگونی بنیادین سیاسی با آن آغاز می گردد، به جریان افتاده بود. دویاره گی حکومت، به مرحله ی گذار قدرت دوگانه راه برد و سپس در هریک از آنها، گرایشات معتدل، محافظه کار و تندرو که به نبرد علیه یکدیگر برخاسته اند، شکل گرفت و اینک فراگرد خرد و بی اعتبار شدن این اجزای پراکنده، در رسیدن خود را نهیب می زند. طیف تندرو "دوم خرداد"، ناپیگیری و اشتباهات پرشمار رهبری خود را علت شکست "پروژه" معرفی

طرح ارایه شده از سوی برخی از کوشندگان دوم خردادی پیرامون برگزاری رفراندوم تغییرقانون اساسی، شناسه های دورانی که جمهوری اسلامی در آن بسر می برد را یکبار بیشتر و از زاویه دیگر به سطح آورده و در برابر نگاه و داوری همگانی قرار داده است. اگرچه در حلقه های گردآمده پیرامون این فراخوان، یک گرایش پیشینه دار و واقعی مدافع تغییر پایه ای به روشنی مشاهده پذیر است اما همزمان وجود محافل معینی از "اصلاح طلبان" جمهوری اسلامی در کانون آن را نیز نمی توان نادیده انگاشت. نقش هدایت گرانه و تعیین کننده محافل مزبور، جایگاه متمایزی در طرح، ارایه و پیشبرد فراخوان رفراندوم بدان بخشیده است، نکته ای که در هیچ ارزیابی عینی از فراخوان یاد شده، نمی تواند از قلم بیافتد.

یک راهکار به منظور چیرگی بر محدودیتهای ساختاری و حقوقی جمهوری اسلامی در خارج از چارچوب و ابزارهای مجاز شمرده شده از سوی آن، این بار از سوی نیرویی ارایه گردیده است که بخشی از یک جناح درونی "نظام" را تشکیل می دهد و این مستقل از مضمون پیشنهاد رفراندوم و ارزش گذاری آن، به خودی خود یک تحول جدید می تواند به شمار رود. تحولی که بر بستر واقعی عینی جریان یافته و به گونه مستقیم از آن تاثیر پذیرفته است. و این هیچ چیز کمتر از ژرفش تضاد بالا و پایین و تبدیل حکومت به بختکی معلق بر فراز نیازها و مطالبات اجتماعی نیست که در اثر اصطحکاک با نیروی مقابل، به گونه ی مداوم فرسایش یافته، تلاشی می گیرد و اجزایی از خود را از دست می دهد. در طرح مزبور، واکنش ایجاب گرایانه ی لایه های معینی از قدرت در برابر فشار برآمده از قطب نیرومند تضاد نهفته است که بی اعتمادی خود به توانایی "نظام" در حل بحران یا دست کم لگام زدن به آن را در شکل جستجوی راه حلی در آن سوی دیرک خمیده ی جمهوری اسلامی و نظم ولایت فقیهی آن، نشانه گذاری کرده است.

مطالبه ی کوتاه کردن دست حاکمان کنونی از مقدرات جامعه که در این میان ثابت و جاافتاده ترین ویژگی



گسستن رشته هایی است که تاب خوردن آنان بین ولایت مطلقه ی کنونی و - گویا - "ولایت مشروطه" ی آتی را ممکن ساخته است. این کار به ویژه هنگامی که یک انتخابات دیگر (رییس جمهوری) در راه است و نیاز باند رقیب به صحنه آرای، بر اهمیت آنان می افزاید، به راستی دشوار می نماید. به خوبی تصویرپذیر است که "دوم خرداد"، حتی وجود این خط را به عنوان ابزاری برای "چانه زنی" با باند ولایت به منظور سهم گرفتن از انتخابات مزبور به کار بگیرد. با کمی تلاش، آقای نبوی می تواند به مطلوب خویش یعنی "یک تکان در جامعه (بخوانید باند رقیب) پیش از انتخابات" دست یابد.

با وجود این صف آرای، قرار گرفتن در آن سوی خطی که حجت الاسلامها خاتمی و کروی و آقایان نبوی و حجاریان ایستاده اند، هنوز به معنای قرار گرفتن در کنار "پایینها" نیست و این حقیقت را هیچ سند دیگری بهتر از "طرح رفراندوم" به اثبات نمی رساند.

متفاوت آن می نویسد. روز ۱۶ آذر، فریادهای "هو" و "دروغ بس است" حجت الاسلام خاتمی، این تار توف جمهوری اسلامی را دربر گرفت تا به او یادآور شود، زهد دروغین "جامعه مدنی" اش، چگونه رنگ باخته است. این صف بندی عینیت یافته در جامعه است که آقای خاتمی را در این روز به روی سن نشاند و فریبکاری باطنی "اصلاحات" را بر سر تمام یاهو گویبهای مستدل و میسوط او خراب کرد. و همین آرایش است که باران پیشین وی را به جامه ی پیشنهاد دهندگان راهکاری می آراید که زمانی پیش از این، حتی تصور آن را نیز گناهی نابخشودنی می شمردند.

به این اعتبار، جدال متحدان پیشین که با هجوناامه آقای حجاریان آغاز شد، تنها یک نشانه دیگر از دامنه ای است که توانایی تاثیرگذاری تضاد پایین با بالا، جامعه با حکومتگران یافته است و اینان را نیز به رویارویی با یکدیگر ناچار ساخته است. خانم مهرانگیز کار، از کوشندگان "دوم خرداد" و یکی از

## چالشها و رویدادهای جنبش کارگران و مزدبگیران در آذر ماه ۸۳

زینت میرهاشمی

اکثر کارگران این واحد تولیدی بیش از ۱۳ سال سابقه فعالیت در این واحد دارند.

بر اساس گزارش ایلنا ۸ آذر، کارکنان بیمارستان «راضیه فیروز» به مدت ۵ ماه است که حقوقشان پرداخت نشده است. این بیمارستان در کرمان واقع شده است.

کارگران کارخانه «آرد اکباتان» همچنان در بلاتکلیفی به سر می برند. این کارخانه در همدان واقع شده و ۴ ماه از تعطیلی آن می گذرد. به گزارش ایلنا ۸ آذر، سابقه فعالیت این واحد تولیدی به بیش از ۴۰ سال می رسد.

شرکت «روکش لاستیک اکباتان» در پی واگذاری به بخش خصوصی، تعطیل و کارگران خود را اخراج نمود. این شرکت در همدان واقع شده است.

به دنبال مطرح شدن طرح خروج کارگران قراردادی از شمول قانون کار در مجلس هفتم رژیم، حدود ۱۰۵ هزار نفر از کارگران سیستان و بلوچستان از حمایت قانون کار خارج خواهند شد.

علی رضا یاسینی دبیر شوراهای اسلامی کار سیستان و بلوچستان در گفتگو با ایلنا ۱۴ آذر با تأیید آمار بالا گفت که «می توان تخمین زد که در صورت تصویب چنین طرحی، فقط ۴ تا ۵ هزار نفر مشمول قانون کار شوند که این نوعی فاجعه، جنایت و بردگی گرفتن کارگران است.»

کارگران مخازن آب آبادان و خرمشهر، مدت ۵ ماه است که حقوقشان پرداخت نشده است. به گزارش ایلنا ۱۳ آذر، شمار کارگران بلاتکلیف این مخزن آب به ۹۰ نفر می رسد.

کارگران «زمان صنعت» مدت ۳ ماه است که حقوقشان پرداخت نشده است. این کارخانه تولید کننده قالبهای کلبه و پرز و در استان خراسان واقع شده است. به گزارش ایلنا ۲۱ آذر، حدود ۱۰۰ کارگر رسمی و قراردادی این واحد تولیدی که سابقه آن به ۱۰ سال می رسد، در چند ماهه اخیر حقوقشان را دریافت نکرده اند.

به گزارش ایلنا ۲۳ آذر، شرکت تولیدی «سازماهی» که حدود ۲۵۰ کارگر در آن مشغول به کار هستند مدت ۹۰ روز است که حقوق کارکنان این واحد را پرداخته است.

کارگران کارخانه نخ طلای خمین وارد بیست و پنجمین روز اعتصاب خود شدند. کارگران به

عدم دریافت حقوقشان و نامنی کار اعتراض دارند.

بر اساس گزارش ایسنا ۲۷ آذر کارگران اعتصاب کننده صنایع نخ خمین اعلام کردند که «تا زمانی که حقوق خود را دریافت نکنند فعالیت خود را در کارخانه آغاز نخواهند کرد.»

بر اساس همین گزارش کارگران در مقابل درخواست مدیر عامل این کارخانه برای پایان دادن به اعتصاب، مقاومت کرده و حاضر به خاتمه دادن به اعتصاب خود نشدند.

نامنی کار و عدم دریافت ماهها حقوق در برابر کار انجام شده که در بعضی از واحدهای تولیدی عدم پرداخت حقوق به درازای یک سال می رسد، از جمله آسیبهای سیاست خصوصی سازی نظام حاکم بر ایران و اقتصاد بحرانی آن می باشد.

## اخراج و بیکاری کارگران

بر اساس گزارش ایلنا ۳۰ آبان، کارخانه «نساجی غرب» در پی سیاست خصوصی سازی دست به تعدیل نیرو زده و کارگران خود را از ۹۰۰ نفر به ۴۰۰ نفر کاهش داده است.

کارخانه «رشته طلایی» که در آستانه تعطیلی قرار دارد، تا کنون (۷ آذر ۱۳۸۳) به قرارداد کاری ۶۰ درصد کارکنان خود را پایان داده و آنها را بیکار نموده است.

## عدم دریافت حقوق

کارگران شرکت نساجی «پارس ایران» به دنبال رکود و بحرانی شدن این کارخانه، به مدت بیش از ۶ ماه است که حقوقشان را دریافت نکرده اند.

شرکت نساجی پارس یکی از واحدهای تولیدی بزرگ بوده است که در این شرایط از سه شیفته کار به تعدیل نیرو رسیده و بسیاری از کارگران خود را اخراج نموده است. بر اساس گزارش ایلنا ۴ آذر، کارگران این کارخانه در سال گذشته به طور مرتب دست به اعتراض زده اند اما تا کنون موفق نبوده اند.

کارگران کارخانه تولیدی «فازنام» در آستانه اخراج قرار دارند. این کارخانه که در ۲۶ کیلومتری جاده تبریز مرند واقع شده به علت بحران در فعالیت تولیدی اش، در صدد است بخش زیادی از کارکنان خود را اخراج کند. بر اساس گزارش ایلنا ۸ آذر ۱۳۸۳،

کارخانه در اراک واقع شده و کارگران بعد از پایان ساعت کاری خود در محل کارخانه اقدام به تجمع اعتراضی می کنند.

کارگران کارخانه روغن نباتی «نرگس شیراز» روز ۹ آذر دست به تجمع اعتراضی زدند. بر اساس گزارش ایلنا ۹ آذر، کارگران این واحد تولیدی به شرایط کار و عدم رسیدگی به خواسته هایشان دست به اعتراض زدند.

کارگران بازرخرد شده شرکت تهیه و توزیع کالا روز ۱۱ آذر در برابر سازمان تامین اجتماعی تحصن نمودند. ۸۰۰ نفر از کارگران این واحد تولیدی به دنبال سیاست خصوصی سازی در این واحد و تعدیل نیرو خود را بازرخرد کرده اند. به گزارش ایلنا ۱۱ آذر، سازمان تامین اجتماعی به دلیل اختیاری بودن این بازرخرد هیچگونه بیمه بیکاری به آنها نپرداخته است.

کارگران صنایع پلاستیک واقع در شهر قم، به مدت ۴ ماه است که حقوقشان را دریافت نکرده اند. این کارگران در اعتراض به این امر طی ارسال طوماری با امضای کارگران معترض به اداره کار و امور اجتماعی، خواستار رسیدگی و دریافت حقوق و مزایای خود شدند.

کارکنان پیمانکاری بخشی از ایران خودرو دست به اعتصاب زدند. به گزارش ایلنا ۲۰ آذر، کارگران این واحد به تبعیض بین مزایایی که به کارگران موقت و کارکنان رسمی وجود دارد، اعتراض دارند.

کارگران کارخانه «نساجی بابکان» واقع در شهر امل روز ۲۴ آذر در برابر فرمانداری این شهر دست به یک تجمع اعتراضی زدند. به گزارش ایلنا ۲۴ آذر، شمار کارگران اعتراضی به ۴۰۰ نفر می رسد که به عدم پرداخت حقوقشان به مدت ۴ ماه اعتراض دارند.

کارگران «بهمن پلاستیک» در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه حقوقشان، روز ۲۳ آذر در مقابل ساختمان وزارت کار و امور اجتماعی دست به تجمع زدند. خبرگزاری ایلنا ۲۳ آذر تعداد این کارگران را ۹۰ نفر تخمین زده است.

در ماهی که گذشت اعتراضهای کارگران و مزدبگیران پیرامون طرح مورد بحث در مجلس مبنی بر خارج نمودن کارگران قراردادی از شمول قانون کار، جریان داشت. تعطیلی تعدادی از واحدهای تولیدی با سابقه های طولانی فعالیت تولیدی، و در نتیجه بیکاری و بلاتکلیفی کارگران از جمله محورهای حرکتی اعتراضی کارگران و مزدبگیران در آذر ماه بود. پرداخت حقوقهای عقب افتاده، رفع تبعیض میان کارگران پیمانی و قراردادی با کارگران رسمی، از جمله مطالبات کارگران و مزدبگیران است. در زیر به مهمترین رویدادهای کارگری در آذر ماه ۱۳۸۳ اشاره می شود.

## اعتراضها

کارگران در شهر قم روز شنبه ۳۰ آبان در اعتراض به قراردادهای موقت کاری دست به راهپیمایی و تجمع اعتراضی زدند. بر اساس گزارش ایلنا، کارگران معترض، «طرح جدید مجلس هفتم برای اشتغال کارگران را طرحی غیر کارشناسی خوانده و آن را ناپود کننده جامعه کارگری در مقابل کارفرمان دانستند.»

مدیریت کارخانه الیاف در پی بحران موجود در این کارخانه دست به تعدیل نیرو زده و بخشی از کارگران را از کار اخراج کرد. بر اساس خبر ایلنا سه شنبه ۳ آذر، بیش از ۴۰ نفر از کارگران کارخانه الیاف از روز دوشنبه ۲ آذر در اعتراض به عدم تمدید قرارداد کاری خود، راه ورود و خروج کارخانه را بستند.

روز چهارشنبه ۴ آذر، کارگران ریسندهی و بافندگی «سیمین نو» در اعتراض به شرایط کاری خود و عدم قابلیت دستگاههای کار، در مقابل هتل های تهران تحصن نمودند. بر اساس گزارش ایلنا ۴ آذر، این همایش همزمان با برگزاری سمینار شرکت «سولتکس ایران» که وارد کننده دستگاههای بافندگی است، برگزار شده است.

کارگران شرکت «آوانگان» در اعتراض به خصوصی سازی این واحد تولیدی دست به تجمع اعتراضی زدند. خبرگزاری ایلنا ۹ آذر، از دهمین روز تجمع این کارگران خبر داد. این

## معجزه یکشنبه نجات کارتن خوابها

لیلا جدیدی

با فرارسیدن فصل سرما و احتمال در پیش بودن زمستانی سخت، سخن از کارتن خوابها نیز بمیان آورده شده و در سوگ شماری از آنها که جان خود را از دست داده اند، مراسم یادبود ترتیب داده شده است. این درحالیست که تنها کارتن خوابها نیستند که سرمای کنونی و در راه، در دل آنان هراس افکننده است. بیش از نیمی از مردم ایران، حتی کسانی که سقفی روی سر دارند، به دلیل کمبود مواد سوختی، روز و شب را در هول و هراس می گذرانند. اگر کارتن خوابها، مردم آواره بم، قربانیان بیکاری، بیماری یا نقص عضو و غیره که محکوم به بی خانمانی گشته اند، جانشان در کنار خیابانها در اثر گرسنگی سرما و بیماری بر لبه پرتگاه مرگ قرار گرفته، میلیونها نفر مردم عادی نیز که از امکانات بیشتری برخوردار هستند، تحت رژیم حاکم ولایت فقیه، با فرارسیدن زمستانی سرد و طاقت فرسا، در این نگرانی با آنها شریک گشته اند.

در حالیکه تا چندی پیش حتی مطرح کردن این معضل دردناک اجتماعی، مفتخوران مرفه مکتبی را به خشم می آورد، اکنون که سرمای زمستان مردم را بسته آورده و اعتراضات بالا گرفته، به ناگاه دکتر خیرآبادی، معاون وزیر رفاه و امور حمایتی اعلام می کند که از روز چهارشنبه گذشته تاکنون، تقریباً تمام کارتن خوابها را از شهر تهران جمع آوری کرده اند و نیازهای آنان بر آورده گشته است. نخستین پرسشی که در برابر این ادعا در ذهن جوانه می زند این است که که رژیم چه بر سر این انسانها آورده است؟ قبلاً دیده ایم که بلدوزرهای حکومت چگونه با مشکل زاغه نشینی برخورد کرده اند.

حاکمان جمهوری اسلامی، برای رد گم کردن علم شنگه



"فقدان حقوق بشر در اروپا" را براه می اندازند اما این آدرس عوضی، واقعیت پایمالی یکی از پایه ای ترین حقوق انسانها، توسط رژیم ولایت فقیه که همانا حق دسترسی و برخورداری از نیازمندیهای اولیه زیست انسانی است را پنهان نمی کند. توانایی اکثریت غالب مردم ایران، بخشا یا به طور همگانی در تامین نیازهایی چون غذا، لباس، مسکن، درمان و مددهای اجتماعی از آنها سلب شده و به همین صورت، از هیچ امنیتی به هنگام از دست دادن شغل، بیماری، نقض عضو، مرگ همسر، پیری و دیگر حوادث، برخوردار نیستند.

ناهنجاریهای اجتماعی کنونی ریشه در اقتصاد ولایت فقیه که بر پایه فساد، دزدی و باجگیری بنا شده است دارد. بلوکهای چپاولگری آنچنان بر روی هم سوار شده اند که دست زدن به هر یک، تمامی آن را سرنگون می کند. از این رو، هیچ بخش کلیدی که مسئول این نابسامانی است، مسولیت را بدوش نخواهد کشید.

با این یا آن اقدام زودگذر نیز مشکلات عمیق و ریشه ای حل نخواهد شد. دزدها باید از ریشه خشکانده شوند. ۳۰ آذر ۸۳

رها می کند. این در حالی است که به گواه همه آگاهان، بخش اعظم کارگران شاغل در صنعت فرش، که یکی از اقلام معروف صادراتی می باشد، را کودکان تشکیل می دهند. سالیان درازی است که دولتها و

رژیمهای در قدرت، از نشر آمار صحیح این کارگران خردسال جلوگیری می کنند و دلیل آنرا نیز عدم فروش فرش

ایرانی در بازارهای بین المللی و تحریم آن از جانب سازمانهای حامی کودکان می دانند. زیرا خود آنها بعید می دانند که در صورت برملا شدن اجحافهای انجام گرفته به این کودکان، جامعه انسانی در برابر آن بی طرف بماند. اما در سالهای اخیر، به دلیل سیاستهای حاکم بر کشور، آمار کودکان کار به سرعت رو به رشد گذاشته و در اکثر کارگاهها و محیط های کاری حضور آنان چشمگیرتر شده است. همزمان، سوء استفاده جنسی از این کودکان بیشتر می شود و در صورت گرفتاری قربانیان، بی دادگاههای رژیم جمهوری اسلامی بدون توجه به موقعیت آنها، احکام ظالمانه ای همچون سنگسار و اعدام برای آنان صادر می کند. جدید ترین نمونه آن زنی است بنام لیلا که به دلیل همین بی عدالتی به اعدام محکوم گردیده است. او در سن ۹ سالگی مادر شده است و اکنون پس از بارها محکومیت شلاق و بد رفتاری، در انتظار اعدام بسر می برد. لیلا از عدم تعادل روانی رنج می برد و مادر ۳ کودک است. مگر می شود کودک دختری در ۹ سالگی به دلیل تجاوزهای جنسی مکرر، مادر شود و از نظر روانی سالم بماند؟ برای بازگشت کودکان کار به مدرسه و حمایت از آنان در برابر سواستفاده کنندگان، جامعه نیازمند یک نظام حکومتی عادلانه است. برای برپایی یک نظام دموکراتیک و عادلانه باید بساط جانین حاکم بر کشور را برچید. این امکان پذیر نیست مگر با به میدان آمدن متحدانه همه مردم. ۲۷ آذر ۸۳

## کودکان کار، حاصل سیستمی ناعادلانه اند

جعفر پویه



فقر و بیکاری که حاصل سیاستهای غلط دست اندرکاران رژیم جمهوری اسلامی است، پیامدهای مختلفی دارد که کودکان کار یکی از آنهاست. عدم امکان تامین معاش و دست و پنجه نرم کردن خانواده ها برای ادامه حیات، سبب می شود تا کودکان، مدرسه و درس و مشق را رها کرده و در جستجوی لقمه ای نان روانه بازار کار شوند. بنابر آمارهای رسمی در جمهوری اسلامی، حدود ۶۰۰ هزار کودک کار، مشغول بکارند. این آمار، منعکس کننده تنها بخشی از واقعیت موجود در کشور ماست. زیرا بسیاری از کودکانی که در صحنه ی کار در تلاشند، در این آمارها گنجانده نشده اند و کسی نیز حاضر به پذیرش حضور آنان نیست. خانواده های کم درآمد و بی سرپرست نه تنها از کار کودکان خود برای بقا بهره می برند بلکه، آنان را برای درآمد بیشتر تشویق و تنبیه هم می کنند. کارفرمایان این کودکان، با آگاهی از موقعیت آنان نه تنها به این کودکان دستمزد کمتری پرداخت می کنند، بلکه با تهدید به اخراج، آنان را وادار به کار بیشتر و سوء استفاده های دیگری هم می کنند. درصد بسیار کمی از این کارگران خردسال می توانند کاری پیدا کنند تا حداقل امنیت را نیز برای آنان داشته باشد زیرا به دلیل عدم ثبت به صورت رسمی، در صورت بروز هر حادثه ای هنگام کار، کارفرما از پرداخت خسارت یا کمک برای معالجه شانه خالی می کند و آنان را بدون هیچ پشتوانه ای

## مرگ خاموش کارگران در اثر عدم بهداشت و ایمنی کار

زینت میرهاشمی

کارگران شرکت «کابین استیل» در مقابل کوره ۸۰۰ درجه کار می کند و فاقد لباس و لوازم ایمنی هستند. (ایلنا ۲۳ آذر)

این شرکت در همدان واقع شده و سازنده انواع وسایل کشاورزی است. چنگیز اصلانی از نهاد دولتی خانه کارگر همدان با اشاره به خیر فوق گفت که در حدود یک سال است که کارگران این شرکت تحت اجبار به کارگران قراردادی تبدیل شده و قرارداد کاری آنها هر سه ماه تمدید می شود.

عدم رعایت بهداشت و دستگاههای فرسوده تولیدی، جان کارگران را تهدید می کند. از فلج شدن چند کارگر نوجوان در کارگاه کفاشی مدت زمان زیادی نمی گذرد. جان باختن کارگران در محیط کار از جمله مواردی است که مرتب اتفاق می افتد.

۵ کارگر در اوایل آذر ماه در یک کارگاه سنگ کوبی کار می کردند درگذشتند. این کارگران مبتلا به بیماری سلیکوز بودند. بر اساس گزارش خیرگزاری مهر ۲۰ آذر ۸۳ یک دکتر متخصص بهداشت کارگران در استان آذربایجان با تایید خبر بیماری و مرگ این کارگران گفت: «تا کنون ده کارگر جوان مبتلا به بیماری سلیکوز، شناسایی شده اند که از میان آنها حداقل ۵ نفر جان باخته و چهار نفر دیگر از آنها نیز در آستانه مرگ به سر می برند.»

۲۳ آذر ۸۳

## سال ۲۰۰۴ در یک نگاه!

جعفر پویه



سال ۲۰۰۴ در حالی به پایان می رسد که در اوضاع و احوال جهان، تغییرات بزرگی نسبت به سال پیش روی نداد. بحرانهای منطقه ای به ویژه در خاورمیانه، درجا می زند و راه برون رفتی از آن به صورتی که منافع مردم را در بر داشته باشد، در دوردست پیدا نیست. سالی که اخبار جنگ بر تارک همه روزنامه ها درخشید و تیتیر نخست اخبار روزانه رسانه های جهانی را به خود اختصاص داده بود. فضاوت عادلانه ای نیز در مورد آن به چشم نیامد ولی خانه های بسیاری بر سر مردم خراب شد و بر شمار کشته شدگان بی گناه افزوده گشت. سالی که نعمت جنگ، درب خیرات و برکات خود را به روی جنگ افروزان باز کرد. بازار اسلحه پر رونق بود و به همین بهانه، دولتهای دست راستی لایحه ها و قوانینی را از پارلمانها گذراندند که در مواقع دیگر حتی امکان صحبت از آن هم وجود نداشت.

سیستم پلیسی نهار بازار خود را گذراند و بدون هیچ توضیحی، کسان بسیاری در بازداشت ماندند و انگ و برچسب تروریسم با همدستی سازمانهای مخوف دست ساز "جهان آزاد" در سالهای گذشته، پرنرنگتر نشان داده شد تا دلیلی باشد برای بازپس ستاندن حقوقی که مردم طی سالیان دراز بدست آورده بودند. بودجه های سرسام آور امنیتی، هزینه کنترل هرچه بیشتر مردم شد. شنود تلفن، بازکردن بسته های پستی، نصب دوربینهای مخفی و ایست و بازرسیهای گاه و بیگاه در خیابانهای شهرهای بزرگ جهان، پر رونق بود و هیچ دهانی را یارای اعتراض به این همه درازدستی نماند زیرا "امنیت ملی" توجیهی است که با قامت بلند خود در برابر هر اعتراضی برافراشته شده است.

تجمعهایی چند صد هزار نفره در اعتراض به جهانی سازی و جنگ، به یکباره از خیابانها رفته شدند و به جای آن پلیسهای ویژه با لباسهای عجیب و غریب حضور خود را با وحشت و ترس از تروریستهای آدمکشی که در روسیه مدرسه ای را به خاک و خون کشیدند، توجیه می کردند. بهای نفت در بازارهای جهانی سیر صعودی داشت و یکی از اهدافی را که آمریکا با اشغال عراق در نظر داشت، تامین نمود تا قدرتهای رقیب به موقعیت جدید

بود. گروه های موسیقی راک و رپ که خود را نقادان سیستم معرفی می کردند، به یکباره نقاب از رخ برکشیدند و با تمام قوا وارد کارزار انتخاباتی شدند و به این بازار رونق بیشتری دادند و جوانان و مردم بی طرف را تشویق کردند تا به میدان آمده و مشروعیت انتخابات را بازگردانند. دیگر بار، جرج بوش رییس جمهور شد و جنگ ادامه پیدا کرد و هرکس به سرکار خود بازگشت تا در انتخاباتی دیگر با بوق کرنای دیگری باز گردد.

ولی در اروپا مدار سیاست بر همین پایه نگشت. انتخابات اسپانیا به دلیل خطای بزرگ نخست وزیر در معرفی عاملین بمب گذاری در مادرید، کاخ ریاست جمهوری را به سیاستمداران چپ رساند. خوزه ماریا ازنار که بمب گذاری را به مبارزان جدایی طلب باسک نسبت داده بود، در مقابل القاعده که انجام آن را به عهده گرفت، مات شد و همین حرکت از جانب رقیب دست آویزی قرار گرفت تا او را در انتخابات شکست دهد. اگر کسی از سیر اتفاقات در اسپانیا مطلع نبود، این طور به نظرش می رسید که مخالفان "ازنار"، همه طرفداران "اتا" و جدایی طلبان باسک هستند. به هرحال پس از پیروزی سوسیالیستها در انتخابات، ارتش اسپانیا از عراق خارج شد و آمریکا یکی از همدستان اروپایی اش را از دست داد. اما در دیگر کشورهای اروپایی هر چند در بعضی از آنها مثل آلمان، دولت به ظاهر در دست چپهاست ولی راستهای حرف اول را می زنند. سیاستهای خارجی ستیزی رو به تزاید دارد و راستهای افراطی که تا چند سال قبل به چشم نمی آمدند، عملن اهرمهای قدرت را به دست گرفته و با شانتاژ سعی می کنند تا امورات خود را به پیش برند.

در پاره ای از کشورها مثل هلند، این سیاستها پوسته ظاهری شرم را شکسته و دو طرف به شیوه قهرآمیز به میدان آمده اند. راستهای افراطی مسلمان از یک طرف جبهه خارجیهای مهاجر تندرو را سامان دادند و مابقی یعنی ناسیونالیستها، تنونازیهها و ضد خارجیهها نیز از طرف دیگر وارد عمل شدند. کسی از یک طرف به خون غلتید و از جانب دیگر مدرسه و مسجد و ... به آتش کشیده شد. هرچند دولت دست راستی سعی دارد تا با حوصله مساله را به شیوه دلخواه سامان دهد اما دمل چرکین ستیزه گری بیش از آن چه حدس زده می شد، رسیده است. تظاهرات کارگرانی که در چند هفته قبل برگزار شد، بیش از نیم میلیون نفر را به میدان آورد و جبهه مردم در

مقابل دولت دست راستی "بالکن انده"، بسیار قوی به نظر می آمد. اما با شلیک گلوله ی فردی مراکش تبار، همه زحمات بیاد رفت و یکباره موقعیت جایجا شد و هرچه معترض و اعتصابی بود، از ترس سیل دست راستیهای کف به دهان آورده، ساکت شدند. کارگران تهدید کرده بودند که در صورت عدم بهبود شرایط و بازپس نگرفتن لایحه های ضد مردمی دولت که تقدیم مجلس کرده بود، تا سرنگونی دولت اعتصاب ادامه خواهد داشت و این عمل بیش از نیم میلیون نفر طرفدار در خیابانهای آمستردام داشت. اما گلوله ی این بنیادگرای اسلامی، نه تنها وتو وانگوگ، فیلم ساز تندرو، بلکه اعتصاب و تظاهرات حق طلبانه مردم را نیز هدف قرار داد و آن را به خاک افکند.

قبل از هلند، فرانسه با تصویب قانونی که نمادهای مذهبی از جمله حجاب زنان را در مدارس ممنوع می کرد، با مسلمانانی که به میدان آمده بودند با مشکل روبرو شد. اما مدیریت بحران در فرانسه از هلند بهتر بود و فعلن آبی بر روی این آتش ریخته شده است که به طور گذرا مساله چندان به چشم نمی آید.

در آلمان نیز مشکل به همین شیوه کنترل شده است، زیرا حضور قدرتمند ترکههای مهاجری که خود را آماده می کنند تا پذیرفته شدن کشورشان را در اتحادیه اروپا جشن بگیرند را می توان بعنوان یکی از اهرمهای کنترل این بحران در نظر داشت. اما بیکاری و بالا رفتن هزینه زندگی از یک طرف و کم شدن کمکهای دولتی در بخش آموزش و پرورش و بهداشت و امور فرهنگی، مشکلات اساسی ای است که با نصیحت نمی شود مردم را وادار به کنارآمدن با آنها کرد. آلمان یکی از بیشترین اعتراضات کارگری را در سالی که گذشت داشته و امید بهبود شرایط مورد اعتراض نیز نمی رود. مابقی اروپاییها نیز به شیوه هایی کم و بیش مشابه، درگیر بحران اند.

در منطقه خاورمیانه، قدیمی ترین مشکل، یعنی درگیری فلسطینیان با دولت اسرائیل، به قوت خود باقی است. اما فلسطینیان رهبر قدرتمند و سرسخت خود را در اواخر این سال از دست دادند. اسرائیل و آمریکا که عرفات را مانع اصلی صلح بین دو ملت معرفی می کردند، پس از مرگ او با تناقض بزرگی روبرو هستند. از یک طرف، دولت دست راستی اسرائیل، هیچ حقی را برای فلسطینیها به رسمیت نمی شناسد و از جانب دیگر،

بقیه در صفحه ۱۳

## انرژی بهانه است. هدف سلاح اتمی است

مهدی سامع

اتمی است.

زلزله خیزی مثل ایران  
باریست که سالها بر  
دوش اقتصاد کشور  
خواهد ماند. از این نظر  
این قرار داد تحمیل شده  
به سود یک ایران غیر

اما در مورد مزیت اقتصادی انرژی اتمی،  
که بعضی از متخصصان بر آن تاکید می  
کنند باید به موارد زیر توجه کرد:  
اولا به علت فقدان شرایط دمکراتیک،  
مخالفان این نظر در داخل کشور امکان  
طرح نظر خود را ندارند.

ثانیا بحث در مورد مزیت اقتصادی و  
منافع ملی دو بحث کاملاً متفاوت است.  
ثالثا اگر مزیت اقتصادی با توجه به بازار و  
رقابت جهانی سنجیده می شود، استفاده از  
انرژی گاز نسبت به انرژی اتمی صدها بار  
بیشتر مزیت اقتصادی دارد. ساخت کامل  
یک نیروگاه ۲ هزار مگا وات سیکل  
ترکیبی توسط شرکت آلمانی زیمنس که  
بهترین سازنده این نوع از نیروگاهها  
هست کمتر از ۲ میلیارد دلار هزینه بر می  
دارد. در حالی که با امکانات داخلی می  
توان هزینه انرژی آن را به نصف کاهش  
داد.

رابعا اگر قرار است این مزیت اقتصادی  
همراه با چالشهای مداوم جهانی باشد،  
هزینه سنگینی به بار خواهد آورد که دیگر  
صحت از مزیت به حرفی پوچ تبدیل می  
شود.

خامسا تولید ۶ هزار مگا وات برق تا سال  
۱۳۸۰ شمسی که نیاز ایران تقریباً ۵۰ در  
صد تولید فعلی که حدود ۳۵ هزار مگا  
وات است افزایش می یابد، نمی تواند  
نقشی در تولید مستقل انرژی داشته باشد.  
در این جا من فرض را بر این می گذارم  
که پروژه تولید ۶ هزار مگا وات انرژی  
اتمی تحقق یابد. بسیاری از کارشناسان  
مستقل این فرض را مردود می دانند.

از جهت دیگر ایران با دارا بودن منابع  
عظیم گاز می تواند با اتکا به یک سیاست  
دمکراتیک و مردمی در معادلات جهانی  
از مزیتهای گوناگون در زمینه انرژی  
بهربرداری کند. سیاستهای رژیم ایران  
کشور ما را به میزان زیادی از بهره  
برداری از عبور خط لوله های گاز محروم  
کرد. در

حالی که بسیاری از کارشناسان انرژی  
قرن ۲۱ را قرن گاز می نامند.  
روز چهارشنبه ۱۱ آذر ۱۳۸۳ خبرگزاری  
مهر اعلام کرد که: «ایران با داشتن ۲۷،۵۷  
تریلیون متر مکعب گاز طبیعی مقام دوم  
را در میان ده کشور اول دارنده گاز به خود  
اختصاص داده است.»

این میزان ذخیره گاز کشف شده، ۱۷،۲  
درصد از ذخایر جهان با عمری بیش از  
۲۲۵ سال است.

ایران حدود ده درصد ذخایر نفت کشف  
شده در جهان را دارد. در حالی که  
جمعیت ایران تنها یک در صد جمعیت  
جهان و مساحت ایران نیز تقریباً همین  
درصد را داراست.

از جهت دیگر آب و هوای ایران به جز  
در مورد آب، از جهات گوناگون برای  
تولید انرژی پایدار که به سود حفظ  
محیط زیست است، مساعد می باشد. به  
جرات می توان گفت که ذخائر ایران  
برای استفاده از انرژی خورشیدی،  
انرژی باد، انرژی زمین گرمایی بسیار  
بیشتر از آلمان فدرال است. در حالی که  
مردم آلمان به خاطر حفظ سلامت خود  
از برچیده شدن نیروگاههای اتمی  
استقبال کردند.

همچنین باید تاکید کرد که تحقیق و  
بررسی در مورد تولید انرژی پاک در  
سراسر جهان جریان دارد. به طور مثال  
استفاده از دستگاههای شتاب دهنده و  
یا ادغام اتمی (فوزیون) می تواند چهره  
انرژی را دگرگون کند.

سایت تحقیقاتی « دانشنامه رشد » در  
مورد این گونه انرژیها می نویسد:  
«انرژی تولیدی از دستگاههای شتاب  
دهنده می تواند برای بخار کردن آب  
دریا و تولید آب شیرین استفاده کرد.  
محاسبات نشان می دهد که این سیستم  
قادر خواهد بود در سال معادل بارندگی  
سالانه کشور آب شیرین تولید کند،  
بدون این که هوا را آلوده کند یا  
مشکلاتی از قبیل زباله های هسته ای یا  
پس مانده و آلودگی ایجاد کند، در واقع  
یکی از بهترین منابع انرژی خواهد بود.  
سوخت مصرفی این دستگاه تنها چند  
گرم هیدروژن معمولی است.»

با توجه به موارد بالا من نتیجه می گیرم  
که انرژی اتمی نه به سود مردم ایران  
است و نه به طور نسبی مزیت اقتصادی  
دارد و نه یک فرصت برای بهرمندی از  
تواناییهای کشور در جهت منافع مردم در  
معادلات جهانی. پنهانکاریهای رژیم  
ایران هیچ توجیه عقلانی برای این که  
آنان به دنبال انرژی اتمی هستند ندارد.  
همه ی سیاستهای نظام حاکم بر ایران  
در این زمینه بر محور ورود بر باشگاه  
اتمی و برای دستیابی به سلاح اتمی  
طراحی شده است. خواست ورود به  
باشگاه اتمی از جانب سران حکومت با  
صراحت اعلام می شود. در جریان  
اجلاس اخیر شورای حکام سازمان بین  
المللی انرژی اتمی هم این خواست بارها  
از جانب نمایندگان رژیم مطرح شد. برای  
جمهوری اسلامی تضمین بقا و به  
رسمیت شناختن به عنوان یک نیروی  
برتر در منطقه و نیروی هژمونیک در  
عراق آب حیات است. سلاح اتمی در  
خدمت این سیاست است.

پاریس - ۲ نوامبر ۲۰۰۴

## نگاه به ژرفای هول

## هسته ای با تبسم

منصور امان  
همراه با تصویب آخرین پیش  
نویس قطعنامه پیشنهادی  
اتحادیه اروپایی توسط هیات  
اجرایی آژانس بین المللی انرژی  
اتمی، تلاش بلندپایگان محفل  
سیاست در جمهوری اسلامی  
برای وارونه جلوه دادن مصوبات  
آن و تفسیرهای ارادی آغاز  
گردیده است.

آقای سیروس ناصری، نماینده  
رژیم ملاها در نشست هیات  
اجرایی آژانس، خرسندی خود را  
از این امر که پرونده جمهوری  
اسلامی "از دستور کار خارج  
شده و به سوی بسته شدن پیش  
می رود" ابراز کرده است. علت  
افزوده شدن مشاطه گری به  
وظایف این کارگزار حکومت را  
می بایست در رجز خوانیهای  
پیشین رهبران "نظام" و  
اعضای گروه مذاکره کننده به  
سرپرستی حجت الاسلام  
روحانی جستجو کرد. اینان  
جملگی، یک تأثیر بی واسطه ی  
توافق پاریس را خارج شدن  
پرونده "نظام" از دستور کار  
آژانس عنوان می کردند.  
قطعنامه اخیر - همانگونه که  
پیش بینی می شد - در بند ۲ از  
مدیر کل خواسته است  
"همچنان ادامه تعلیق را راست  
آزمایی کند"، و سقف زمانی  
نظارت را "تا زمانی که تعلیق  
در حال اجرا است" و به بیان  
دیگر نامحدود، تعیین کرده  
است.

در بند ۶ همین قطعنامه، برادامه  
روند رسیدگی به پرونده هسته  
ای ملاها تاکید شده و آنان به  
"همکاری کامل و فوری" با  
دبیرکل فراخوانده شده اند. در  
بند ۷، روند ادرازی رسیدگی به  
پرونده نیز مشخص گردیده و  
هیات اجرایی آژانس، خواهان  
دریافت گزارشات دبیرکل "به  
نحو مقتضی" شده است.

انتظار می رود، تغییرات انشایی  
در قطعنامه نهایی، به یکی دیگر  
از سوژه های محبوب ملاها  
طی روزهای آینده تبدیل شود و  
آنان گنجانده شدن قیدهای  
بقیه در صفحه ۱۳

## رویدادهای هنری

لیلا جدیدی

## سی و هشتمین سالگرد شهر قصه

سی و هشت سال پس از آفرینش تاتر شهر قصه به نگارش و کارگردانی هنرمند مردمی، بیژن مفید، مراسم بیستمین سالروز درگذشت او با حضور اهالی شهرقصه بر مزار خانوادگی اش برگزار شد. در این مراسم، محمود استاد محمد (خر)، فرخ صوفی(خرس)، فرهاد صوفی(سگ)، عباس جاویدان(روبا)، هومن مفید(آقا موشه)، گردآفرید مفید(مدیر صحنه تمام نمایشهای مفید)، مهندس هوشنگ کبیری (طراح و سازنده ماسکهای شهر قصه) و چهره‌های آشنای دیگری چون عباس جوانمرد، جمشید لایق، فهیمه راستکار، هنگامه مفید، بهمن مفید و تمام اعضای خانواده او حضور داشتند.

بیژن مفید در سال ۱۳۱۴ در تهران متولد شد و در سن ۴۸ سالگی در آمریکا از جهان رفت. او بین سالهای ۴۴ تا ۴۵، گروه تاتری که همگی آماتور بودند تشکیل داده و نام آن را "آتلیه تاتر" گذاشت. اثر جاویدان "شهر قصه"، از ساخته های همین گروه بود. ویژه گی این نمایش در نو آوری و بیان حرفه‌ایی بود که از دل جامعه بر سرچشمه گرفته بود. مفید بعدها به تاتر کودکان روی آورد و در کانون پرورش فکری فعالیت کرد. "کوتی وموتی" و "ترب"، "بک نمیر بهار میاد"، "شاپرک خانم"، "سهراب" و "اسب و سنجاک" از دیگر آثار هنری او هستند. در مراسم یادبود او، دوستان و خانواده اش به نوار شهر قصه و بزک نمیر بهار میاد، گوش سپردند.

## دانشنامه زیباشناسی

دانشنامه زیباشناسی، تالیف مایک کلی، محقق معروف انگلیس به زبان فارسی با ترجمه گروهی از مترجمان معتبر، منتشر گشت. این اثر، شامل گزیده هایی از ۷۰ فصل دانشنامه چهار جلدی است که در سال ۱۹۹۸ به همت دانشگاه آکسفورد منتشر گشته بود. دانشنامه زیبایی شناسی، نه تنها مفاهیم کلاسیک و پایه ای بلکه، مفاهیم پر اهمیت در اندیشه های معاصر چون مارکسیسم، هرمناتیک، پست مدرنیسم و مینیمالیسم و مفاهیم زیبایی شناسی در فرهنگهای یونانی،

چینی و امریکای لاتین را نیز در بر می گیرد.

## فیلمی از قاتل پاکدشت

بهمن قبادی، کارگردان فیلم "لاک پشتها هم پرواز می کنند" که دو جایزه بین المللی بدست آورده است، در جشنواره فیلم کوتاه تهران، به سوالات تماشاگران پاسخ گفت. او در پاسخ به این سوال که آیا نسبت به قوم کرد تعصب دارد که آنرا بیش از همه به تصویر می کشد گفت: "من به شرایط قوم کرد احساساتی نگاه نمی کنم و هر فیلمساز که بخواهد درباره این موضوع فیلم بسازد، متوجه شرایط بسیار نا بسامان مردمان کرد زبان می شود."

قبادی به علاقه مندان فیلمهایش گفت که قصد دارد در باره "بیجه"، قاتل پاکدشت، فیلمی بسازد. او گفت، تلاش می کند در فیلمهای آتی خود، دیدی جهانی داشته باشد. بهمن قبادی در اعتراض به توقف نمایش فیلم "لاکپشتها هم پرواز می کنند" گفت، به مسئولان اکران فیلم ۳ روز مهلت داده است تا اکران از سر گرفته شود و در غیر این صورت دیگر در ایران فیلمی نخواهد ساخت.

## انتقام قتل تنوون گو

پس از قتل تنوون گو، کارگردان هلندی که در فیلمهایش به خشونت علیه زنان در اسلام می پرداخت، به دست یک مرد مراکشی، سیاستمداران و رسانه های هلندی با تهدید واعلام انتقامجویی علیه مسلمانان، دست به تنش آفرینی در این کشور زدند. بیش از ۹۰۰ هزار نفر از جمعیت ۱۶ میلیون نفری کشور هلند را مسلمان که دست کم یک سوم آنها مراکشیا هستند، تشکیل می دهند. سیاستمداران هلندی، به بهانه مبارزه با تروریسم، هم اکنون به ایجاد بحران و تنش پرداخته اند. روز ۵ نوامبر، سه روز پس از قتل وان گو، معاون نخست وزیر این کشور، گریت زالم، که خود عضو حزب دست راستی VVD است، علیه بنیادگرایی اسلامی اعلان جنگ کرد. از آن زمان به بعد، تندروهای راست نیز دست به اقدامات خشونت بار زده و چندین بمب، مراکز مسلمانان را هدف قرار داده است. تا کنون، ۲۰ حمله خشونت بار علیه مساجد و مدارس اسلامی صورت گرفته است.

## درگذشت پروین، خواننده افغانی

روز چهارشنبه ۸ دسامبر، خانم پروین یکی از اولین آواز خوانان زن افغانی رادیو افغانستان، در بستر بیماری در گذشت. او به هنگام ترک جهان، ۸۰ ساله بود. پروین زن هنرمند و شجاعی بود که سه سال پس از سقوط طالبان، برای اولین بار در محفلی از زنان در کابل بروی صحنه رفته و آواز خواند. خانم پروین به زبانهای دری، پشتو، بلوچی و ازبکی آواز می خواند. یادش گرامی باد.

## فیلم "اسکندر" به کارگردانی الیور استون

فیلم "اسکندر"، به کارگردانی الیور استون، کارگردان فیلمهای معروف "پلتون"، "متولد چهار ژوئیه" و فیلم جنجال برانگیز "قطاراکسپرس نیمه شب"، به روی صحنه رفت. اثر جدید الیور استون که در ساخت فیلمهای بیوگرافیک از چهره های چون جان اف کندی و جیم موریسون بسیار موفق بوده است، با استقبال سرد تماشاچیان روبرو گشت. فیلم "اسکندر"، در نخستین هفته اکران، بیش از ۱۳ میلیون و ۵۰۰ هزار دلار فروش داشت. این برای فیلمی با بودجه سنگین، یک شکست تجاری به شمار می رود.

استون قبل از بروی اکران رفتن فیلم اسکندر، از کاشناسان سینما خواست که فیلم او را دیده و اظهار نظر کنند. اما او نظرات مثبتی دریافت نکرد. با این حال، الیور استون اعلام کرد، که ناامید نگشته و درصدد ساختن فیلمی از زندگی "مارگارت تاچر"، نخست وزیرانگلیستان است. او تصمیم دارد، از مریل استریپ برای بازی در این نقش استفاده کند.

الیور استون فیلمهای عمیق و مورد بحث متعددی ساخته که جامعه و سیاست آمریکا را مورد بررسی و انتقاد قرار داده است. او از پیامدهای فاجعه بار جنگ آمریکا در ویتنام فیلم ساخته و معتقد است که سینما می تواند تاریخ را بر صحنه ی مرور قرار دهد و آنقدر این صحنه مرورها شوند تا کسی رنجها و دردهای ناشی از آن را فراموش نکرده و از تجربیات تلخ آن بیاموزد.

الیور استون قرار است، به ترکیه سفر کرده و از مردم ترک به خاطر فیلم "قطار اکسپرس نیمه شب" که احساسات ضد ترک را بر انگیزت، عذر خواهی کند.

## سازمان ضابطین بازوی اجرایی ستاد حفاظت اجتماعی

جعفر پویه

با ارایه طرح و لایحه توسط دست اندرکاران سرکوب، گروه های معروف به "خودسر" از سایه بدرآمده و موجودیت خود را قانونی می کنند. در راستای لباس قانون پوشاندن به پادوهای باندهای مافیایی برای عرض اندام در مواقع ضروری، قوه قضاییه گوی سبقت را از دیگر جریانات سرکوبگر روده است. در تازه ترین دست پخت هاشمی شاهرودی برای قبضه کردن قدرت، جریانی به نام "سازمان ضابطین قوه قضاییه" متولد شد.

جمال کریمی راد، سخنگوی قوه قضاییه، روز سه شنبه ۱۷ آذر طی یک مصاحبه مطبوعاتی خبر داد که طرح ضابطین قوه قضاییه در هیات دولت تصویب شد. او در ادامه توضیح داد: "رییس جمهور (محمد خاتمی) با عنایتی که به قوه قضاییه دارند، باید شاهد تحول بیشتری در آن باشیم."

اشارات کریمی راد نشان می دهد که شاهرودی برای سازمان دادن به ارگانهای سرکوب تحت نظر خود تنها نیست و در هیات دولت نیز پشتیبانی دارد. اما در شرح وظایف سازمان ضابطین، کریمی راد می گوید: "تمامی مراحل کشف و تعقیب بر عهده این قوه است، اما تاکنون بحث کشف و تعقیب را در ضابطینی داشتیم که خارج از قوه قضاییه بودند. ضابط کارش این است که اگر فرضاً جرمی را به صورت مشهود مشاهده کرد به دادستان گزارش کند و با دستور قضایی نسبت به دستگیری متهم اقدام کند و مراحل تحقیقات اولیه را شروع کند."

با به میدان آمدن این سازمان جدید، نهاد اطلاعاتی ستاد حفاظت اجتماعی دارای بازوی اجرایی و علنی می شود. به این وسیله - همچون وزارت اطلاعات - در برابر نیروی انتظامی نیز که خود را ضابط قانونی می نامید، یک تشکیلات موازی سازماندهی می شود. دلیل این کار را تنها در عدم اعتماد باندهای مافیایی قدرت به یکدیگر می شود جستجو کرد. زیرا هرکدام از باندها تاکنون سعی داشتند، با در دست گرفتن مهار کنترل یکی از این نیروها، سهم خود را از قدرت دیکته کنند ولی با ساماندهی جدیدی که از یک سو شروع شده است، به نظر می آید که یکی از جریانات در تلاش خالی کردن زیر پای بقیه و قبضه قدرت به نفع خود است.

با توجه به تولد سازمانهای اطلاعاتی و پلیسی جدید، جامعه از یک طرف به سوی پلیسی شدن بیشتر می رود و از سوی دیگر، باندهای قدرت برای تحکیم مواضع خود، دست به افشای رقیب می زنند و درگیری در بین آنها هر چه بیشتر بالا می گیرد.

۱۸ آذر ۱۳۸۳



## زنان در مسیر رهایی

الف. آن‌ها  
هزاران زن بر اثر وحشیگری و برای گرفتن انتقام، مورد تجاوز جنسی قرار گرفته اند

ایندی پندت - ۱۴ نوامبر ۲۰۰۴

هزاران زن سفید پوست ساکن ساحل عاج، طی هفته های گذشته توسط گروه ها و دسته هایی که به خانه ها و محل کسب و کار اروپاییها حمله کرده اند، مورد تجاوز جنسی قرار گرفته اند. مردان از جنبش میهن پرستی وفادار به گیائو، رییس جمهور ساحل عاج، در تلافی به مساله دخالت غیرعادلانه دولت فرانسه در امور داخلی ساحل عاج، هنگام چپاول خانه ها و محل کسب و کار اروپاییها، به زنان نیز حمله کرده و آنان را مورد تجاوز جنسی قرار داده اند.

بر اساس این خبر، چهار هزار مجرم که از طریق فاضلاب زندان در آبیجان، پایتخت این کشور گریخته اند نیز به آشوبگران پیوسته اند.

دست کم ده زن که یکی از آنان شصت سال دارد، به دلیل تجاوز جنسی شکایت کرده اند. دو زن فرانسوی و یک زن دیگر اروپایی که مورد تجاوز جنسی قرار گرفته اند، توسط دولت فرانسه از ساحل عاج خارج شده اند.

دولت انگلیس با فرستادن هواپیما به کشور غنا، امکانات خروج شهروندان انگلیسی در ساحل عاج را فراهم کرده است. دولت فرانسه تنها دو هزار و نود و دو تن از شهروندان خود را تا به حال خارج کرده است در حالی که هنوز چهارده هزار نفر فرانسوی در ساحل عاج مستقر هستند.

حمله به ساکنان اروپایی در ساحل عاج زمانی شروع شد که گروه های وفادار به گیائو متقاعد شدند که دولت فرانسه در صدد ساقط کردن گیائو است. بر اساس گزارش شاهدان عینی، سربازان فرانسوی به سوی تظاهرکنندگان در آبیجان، پایتخت این کشور آتش گشوده اند در صورتیکه ارتش فرانسه اعلام کرده است که در ابتدا تظاهرات کنندگان شروع به تیراندازی کرده اند و ارتش فرانسه در جهت حمایت از شهرنشینان فرانسوی و دیگر ملیتهای اروپایی اقدام به دفاع کرده است.

وزیر امور قضایی ساحل عاج گفته است، دولت فرانسه می بایست در دادگاه بین المللی مورد محاکمه قرار بگیرد.

سخنگوی وزیر امور خارجه فرانسه در پاریس از تحت تعقیب قرار دادن آمران

و عاملان تجاوز و حمله به شهروندان فرانسوی در ساحل عاج خبر داد.

### دولت ایران در صدد اعدام دختری که دچار اختلالات روحی روانی است، می باشد

سازمان عفو بین الملل - ۱۴ دسامبر ۲۰۰۴

دولت ایران در صدد اعدام دختر نوزده ساله ای به دلیل انجام اعمال خلاف عفت می باشد.

گروه مدافع حقوق بشر کشور انگلیس به نقل از روزنامه خراسان می گوید که کارکنان امور اجتماعی، هویت این دختر را فقط لیلا - م اعلام کرده و وی را شخصی با داشتن اختلالات روحی روانی از سن هشت سالگی ارزیابی کرده اند.

بر اساس این گزارش، لیلا در سن هیجده سالگی در دادگاه اراک به مرگ محکوم شده و حکم مرگ وی برای تایید به دادگاه عالی کشور فرستاده شده است.

لیلا محکوم به انجام اعمال خلاف عفت و کنترل کردن فاحشه خانه، داشتن تماس جنسی با خویشاوندان و به دنیا آوردن کودکان خود خارج از ازدواج است.

لیلا به تمام اتهامات وارد شده اقرار کرده و قرار است قبل از اعدام مورد ضربات تازیانه نیز قرار بگیرد.

بر اساس این گزارش، لیلا بعد از تلاشهای فراوان، از درخواست بخشش ناامید شده است.

لیلا توسط مادر خود از سن ۸ سالگی به خودفروشی مجبور شده و بارها مورد تجاوز جنسی قرار گرفته و در سن ۹ سالگی کودکی به دنیا می آورد و در این زمان وی توسط دادگاه به خوردن تازیانه محکوم گردیده است.

بعد از این جریان، خانواده وی او را در سن دوازده سالگی به مرد افغانی تباری فروخته و مادر وی مکررا لیلا را به خودفروشی مجبور می کند. بر اساس گزارش سازمان عفو بین الملل، لیلا در سن چهارده سالگی دو قلو به دنیا می آورد و مجدداً به خوردن تازیانه محکوم می شود.

سپس خانواده لیلا وی را مجدداً به مرد پنجاه و پنج ساله ای می فروشند.

سازمان عفو بین الملل ابراز می دارد که دولت ایران به عنوان عضو میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی قول داده است که کودکان زیر هیجده سال را که مجرم شناخته می شوند، اعدام نکند اما بر اساس گزارش سازمان عفو بین الملل، دولت ایران دست کم سه کودک تخطی گر را به دار آویخته

است و کودک چهارده ساله ای را به دلیل خوردن غذا در اماکن عمومی در ماه رمضان، به خوردن تازیانه محکوم کرده که در طی اجرای حکم، این کودک جان خود را از دست داده است.

### ۱۰۸ زن در ماه نوامبر مورد تجاوز جنسی قرار گرفته اند

بنگلادش دیلی استار - ۱۴ دسامبر ۲۰۰۴

بر اساس گزارش م م سی، یک تشکل غیر دولتی کشور بنگلادش سی و هفت زن در طی ماه نوامبر کشته و صد و هشت زن مورد تجاوز جنسی قرار گرفته اند.

سی و هفت زن به دلیل مسایل جهیزیه به قتل رسیده اند و سی و چهار تن بر اثر اسیدپاشی مجروح گشته اند و در این رابطه فقط شش نفر دستگیر شده اند. هشتاد و سه کودک نیز مورد تجاوز و اذیت و آزارهای جنسی مختلف قرار گرفته اند که نیمی از آنها دخترانی بین سن نه تا شانزده سال و پانزده درصد آنان متعلق به گروه سنی سه تا هشت سال بوده اند.

### تشکل بین المللی مدافع حقوق زنان، دولت آمریکا را به ارتکاب جنایتهای جنگی در عراق متهم کرد

کامن دریم نیوز سنتر - ۱۳ دسامبر ۲۰۰۴

مادری، تشکل بین المللی مدافع حق و حقوق زنان با انتشار بیانیه ای در جشن سالانه امضا اعلامیه جهانی حقوق بشر، دولت آمریکا را به انجام جنایت جنگی در عراق متهم کرد.

سخنگوی هلال احمر کشور عراق می گوید: «نه آبی وجود دارد، نه برقی، نه غذایی، نه دارویی و نه سوختی... کودکان در فلوجه می میرند و مردم از گرسنگی آرد می خورند»

ارتش آمریکا اعلام می کند که از نقطه نظر آنان همه چیز موفقیت آمیز پیش می رود!!

ده دسامبر به عنوان پنجاه و ششمین سالگرد اعلامیه جهانی حقوق بشر علامت گذاری شده است، یک توافق بین المللی تا از جنایتهای همانند جنایتهای نازیها علیه حقوق انسانها جلوگیری شود. اگر یکی کپی از این توافقنامه به ارتش آمریکا داده شود، متوجه خواهند شد که دستوراتی که به آنان داده شده جزو جنایتهای است که بر اساس اسناد اعلامیه حقوق بشر جنایت جنگی محسوب می شود و به

طور متوالی در اعلامیه جهانی حقوق بشر از منع آنان یاد شده است. از هفتم ماه نوامبر، ارتش آمریکا در صدد تصرف فلوجه از دست شورشیان است.

- ارتش آمریکا دستور گرفته است که شهروندان فلوجه را تحت فشار قرار داده و آنان را به سوی ناحیه های جنگی فرار دهد «جنایت جنگی».

- در یک مورد، یک خانواده پنج نفره را که در تلاش بودند از طریق رود فرات از ناحیه های جنگی دور شوند، مورد شلیک قرار داده اند «جنایت جنگی»

بر اساس تخمین سازمان عفو بین الملل، از سیصد هزار شهروند فلوجه، نیمی از آنان قبل از حمله از این شهر خارج شده اند ولی هنوز ده ها هزار نفر در شهر زیر آتش گیر کرده اند، شهری که بیش از ۷۰ درصد از خانه ها و مغازه هایش با خاک یکسان شده است.

تاریخ نشان داده است که بیشتر افرادی که در ناحیه جنگی باقی می ماندند، زانی هستند که از کسانی که قادر به فرار نیستند مانند کودکان، سالمندان، بیماران و مجروحان نگهداری می کنند.

- بر اساس ارزیابی صلیب سرخ بین الملل، حداقل ۸۰۰ شهروند غیر نظامی تا اواسط ماه نوامبر در فلوجه کشته شده بودند. «جنایت جنگی»

- سخنگوی پنتاگون صراحتاً اعلام کرد که همه کشته شدگان عراقی شورش بوده اند و از اعلام تعداد کشته شدگان و مجروحان غیر نظامی خودداری ورزید اما تصاویر شهر در هم کوبیده شده نشان می دهد که "بمباران دقیق" فقط عبارتی برای تبلیغ در جهت انحراف افکار عمومی است. در حقیقت استفاده از بمبهای خوشه ای و بمباران هوایی و آتش دوربرد تانک به مرحمت ارتش آمریکا، خالی از تبعیض است. «جنایت جنگی»

- ارتش آمریکا به طور عمدی، بنا و ساختمانهای غیر نظامی را مورد هدف قرار داده است که این نیز جزو «جنایت جنگی» محسوب می شود که با تحت کنترل در آوردن بیمارستان اصلی فلوجه در هفتم نوامبر آغاز گردید.

- بر اساس گزارش ارتش آمریکا، این بیمارستان مرکز تبلیغات بوده و بدلیل پخش خبر مورد هدف قرار گرفته است. در جریان عملیات تحت کنترل در آوردن این بیمارستان، بیماران محاصره شده و به دستور ارتش آمریکا، کلیه آنها روی زمین دراز کشیده و بقیه در صفحه ۱۰

## زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۹

دستان شان را از پشت بسته اند «جنایت جنگی».

- دو روز بعد ارتش آمریکا مرکز بهداشت و درمان شهر فلوجه را بمباران می کند «جنایت جنگی دیگر»  
- در اثر این جنایت، ۲۰ پرستار و پزشک و تعداد نامشخصی از بیماران به قتل می رسند «جنایت جنگی»

- بر اساس شواهد، ارتش آمریکا از اسلحه های ممنوع مانند ناپالم، بمبهای فسفوری و اورانیومی استفاده کرده است «جنایت جنگی»

- ارتش آمریکا برای نشان دادن ارزشهای اخلاقی و اشنگتن!! از ورود نیروهای اورژانس به شهر فلوجه جلوگیری به عمل آورده است «جنایت جنگی» و همچنین از بستری شدن بیماران و مجروحین و انتقال پزشکان به بیمارستان خارج از شهر جلوگیری به عمل آورده است که این عمل نیز جزو «جنایت جنگی» محسوب می شود.

- بسیاری از خبرنگاران از جمله خبرنگاران ایندی پندنت را بازداشت کرده که این نیز «جنایت جنگی» دیگری است.

به دستور دولت آمریکا در مارس ۲۰۰۴، ارتش آمریکا نهاد های خبری این کشور را تحت کنترل خود در آورده است و اخیرا علایق، نخست وزیر عراق در این رابطه خطاب به نهاد های خبری را «کنترل عراق هشدار داد: "یا کنترل نهادهای خبرگزاری را در فلوجه به ارتش آمریکا می دهید یا به طور قانونی با شما رفتار خواهد شد."

- اولین کاری که ارتش آمریکا در شهر فلوجه انجام داد قطع آب بود «جنایت جنگی»، بسیاری از زنان و کودکان در اوضاع حکومت نظامی در خانه های خود بدون داشتن آب، غذا، برق و لوازم بهداشتی بدم افتادند.

در فلوجه همانند دیگر نقاط، جنگ علیه افراد غیرنظامی یعنی جنگ علیه زنان و یکی از ابتدایی ترین نظمهای اجتماعی و انسانی این است که از امنیت زنان و کودکان در شرایط جنگی که خطر گرسنگی، بی آبی و بیماریهای عفونی شدت می گیرد؛ اطمینان حاصل شود اما ارتش آمریکا زنان شهروند فلوجه را در چنین شرایطی قرار داده و حرکتی در جهت امنیت آنان انجام نداده است «جنایت جنگی»

اگر چه فاجعه نبود اغذیه در حال رشد است، ارتش آمریکا غذای بسیار کمی بین مردم پخش کرده است. از سخنان

دیو بلون، سرهنگ آمریکایی در فلوجه کاملا متوجه می شویم که ارتش آمریکا دستور گرفته است که به شهروندان فلوجا گرسنگی بدهد. وی می گوید: "ما در جلب احترام عراقیها شکست خورده ایم، ما به عنوان یک تبار مافوق باید خیر اندیش باشیم تا عراقیان به ما بگویند ما با شما هستیم."

\*بیانیه فوق که توسط مادری، تشکیل بین المللی مدافع حقوق زنان منتشر گردیده، برای هر جنایت جنگی ارتش آمریکا در فلوجا به ذکر شماره بندیهای پروتکل میثاقی بین المللی جنوا اشاره کرده و برای هر خبر نیز منبع آن را در پایان بیانیه ذکر کرده است که نگارنده "زنان در مسیر رهایی"، از نوشتن آنان بدلیل طولانی شدن مطلب این ماه خودداری کرده است.

## کنفرانس در یمن برافزودن

## قدرت سیاسی زنان تاکید کرد

خبرگزاری کشورهای عرب- ۱۳ دسامبر ۲۰۰۴

کنفرانس فوروم دموکراتیک زنان در کشورهای عرب، روز شنبه در شهر سانا، پایتخت کشور یمن و با شرکت بیش از هفتاد زن از ۲۱ ایالت عرب برگزار گردید. این کنفرانس، اولین و مهمترین گام جهت فرم در کشورهای عربی را افزودن قدرت سیاسی زنان این کشورها دانسته و بر اهمیت آن تاکید کرد.

کنفرانس مزبور با کمک فوروم مدافع حقوق بشر عرب همراه با کشور هلند سازمان یافته و به مناسبت جشن ده سالگی میثاق جهانی زنان که با حمایت سازمان ملل متحد در پکن برگزار می شود، برگزار شد.

## اعتصاب غذای زنان فلسطینی

## در زندان تالموند

دی سی آی پی اس- ۴ دسامبر ۲۰۰۴

دست کم پنج زن بازداشت شده فلسطینی در زندان تالموند که زیر ۱۸ سال دارند، به صورت موقت اعتصاب غذای خود را متوقف کردند و به مدیریت زندان اعلام کردند که در صورت عدم انتقال امنای مونا، نماینده زنان زندانی و ۱۲ تن دیگر از سلولهای تنبیه به سلولهای عادی، اعتصاب غذای خود را از سر خواهند گرفت.

این گزارش اضافه می کند، اعتصاب غذای فوق برای انتقال سیزده زن فلسطینی زندانی دیگر به سلولهای عادی صورت گرفته که به دلیل اعتراض به قطع زمان ورزش و تمرین

زندانیان، از ۲۸ نوامبر در سلولهایی سرد و عریان، بدون داشتن لوازم خواب، گرما و نور طبیعی، حبس گردیده اند.

## ایران، سنگسار جان زنی را طی

## پنج روز آینده تهدید می کند

سازمان عفو بین الملل، لندن- ۱۷ دسامبر ۲۰۰۴

بر اساس گزارش سازمان عفو بین الملل، خانمی بنام حاجیه اسماعیل وند، به جرم زنا محصنه، از طرف دادگاه عالی کشور ایران به سنگسار محکوم شده است و این حکم قرار است تا پنج روز دیگر به اجرا در آید.

حاجیه بدلیل داشتن ارتباط جنسی با مردی که نام وی ذکر نشده است و در آن زمان ۱۷ سال داشته، به پنج سال حبس و بعد از آن مرگ محکوم شده بود.

از تاریخ دقیق دستگیری و چگونگی دادگاه وی اطلاع دقیقی در دست نیست اما وی از ژانویه سال ۲۰۰۰ تا کنون در زندان شهر جلفا واقع در شمال غربی ایران به سر می برد.

در ماه نوامبر امسال، دادگاه عالی این کشور، حکم مرگ وی را از اعدام به سنگسار تغییر داده و دستور داده است، پنج سال حبس وی لغو گردد و وی را قبل از تاریخ ۲۱ دسامبر سال ۲۰۰۴، سنگسار کنند.

مدیر سازمان عفو بین الملل، مایک بلکمور ابراز می دارد: "این مساله بسیار اضطرابی است و حاجیه تا پنج روز دیگر سنگسار می شود. ما در تلاش هستیم تا با نوشتن نامه به اولیا امور در ایران، مانع این اعدام وحشیانه شویم اما برای توقف این عمل وحشیانه به کمک و مخالفت ایرانیان در کشور ایران احتیاج داریم. آنها می بایست به دولت مردان بگویند که این احکام مورد قبول آنان نیست و با مبارزه مانع سنگسار حاجیه و زنان همانند وی شوند."

## زنان در ایران

رژیم ایران از ابتدای به قدرت رسیدن سعی کرد قوانین جزایی را با استفاده از اعتقادات مذهبی مردم بر اساس احکام مذهبی تدوین کند و بدین طریق در خصوصی ترین مسایل مردم دخالت کرد و هر سربیزی از این احکام را گناه نامیده و جرایمی سنگین برای آن در نظر گرفت. این مساله همچون دیگر مسایل، بیشتر از مردان، زنان را مورد هدف قرار داد بطوری که زنان محروم کشور ما را نه تنها توسط قانون از ابتدایی ترین حقوق انسانی خود همچون پوشش آزاد ممنوع ساخت

بلکه، برای بد حجایی تازیانه و برای ارتباط آزاد جنسی، مرگ از طریق سنگسار را به اجرا در آورد. آمار دقیقی از میزان افرادی که در طی سه دهه حکومت ارتجاع سنگسار شده و یا شلاق خورده اند در دست نیست اما با نگاهی گذرا بر اخبار می توان تخمین زد که صدها زن در ایران از طریق سنگسار جان خود را از دست داده اند.

اگر چه رژیم از ترس فشار سازمانهای مدافع حقوق بشر و وضعیت بحرانی بین المللی در جهت منافع اقتصادی خود با کشورهای دیگر هرگز همه اعدامها و سنگسارها را در نهادهای خبرپرانی خود انتشار نمی دهد.

سنگسار جنایتی است که ریشه در ساختار سیاسی و فرهنگ زن ستیز طبقه حاکم دارد. زنان میهن ما قادرند با ایجاد تشکلهای کاملا مستقل از زد و بندهای درونی رژیم و مشارکت در مبارزه عام سراسری مردم به عنوان بازوی مهم و تعیین کننده عرصه را بر طبقه حاکم تنگ کرده و با ایجاد تغییرات بنیادین سیاسی، اقتصادی و اجتماعی راه را برای تثبیت مقام و جایگاه زنان و همانا انسان در جامعه باز کنند و بدین ترتیب، با مشارکت مستقیم زنان آگاه با افکاری بالنده در جهت منافع اکثریت زحمتکشان و مزدبگیران، در امور سیاسی و قضایی به جنایتهای طبقه کومه فکر حاکم علیه زنان و مردم ایران خاتمه دهند.

سنگسار، حجاب اجباری، شلاق و خودکشی و تبعیض وحشیانه علیه نیمی از جمعیت کشور ما پدیده ای خارج از مجموعه روابط حاکم بر جامعه و جدا از روندهای کلی آن نیست و کاملا جنبه و ماهیت سیاسی دارد. از سوی دیگر، این شرایط وظیفه ای دشوار در برابر زنان و تمامی انسانهای طرفدار حقوق بشر قرار می دهد که در جوامعی زندگی می کنند که دول سرمایه داری آن بدون گرفتن موضع جدی در مقابل نقض روشن و آشکار حقوق بشر، به انعقاد معاهده های اقتصادی با سیستم ارتجاعی حاکم می پردازند. زنان و مردان آگاه و تمامی تشکلهای و نهادهای مدافع حقوق بشر در خارج از کشور می بایست با ایجاد کمپینهای متفاوت، جنایتهای رژیم را در بین افکار عمومی ملل و اقوام جوامع خارجی افشا ساخته و مانع اتخاذ هر چه بیشتر معاهده های ننگین اقتصادی با رژیمی که بر دریایی از خون شاور است، شوند. آنان می باید وضعیت رژیم را از نظر بین المللی و اقتصادی ضعیفتر ساخته و بدین طریق به جنبش رهای طلبانه داخل یاری برسانند.»

## روز جهانی ایدز، افزایش شمار مبتلایان

گردآورنده اسد طاهری

کاهش داده و میانگین عمر افراد مبتلا به ایدز را افزون تر می‌سازد.

اول ماه دسامبر، روز جهانی "ایدز" در حالی فرا رسید که مبتلایان به این بیماری ویروسی مزمن و کشنده، روز به روز در حال افزایش هستند. گسترش بیماری ایدز در بسیاری از کشورهای جهان به ویژه کشورهای بسیار فقیر و کم درآمد در دو دهه اخیر، زنگهای خطر را برای جامعه بین‌المللی به صدا درآورده است. سازمان ملل، "تهدید بیماری ایدز" را مهمترین چالشی قلمداد کرده که جهان در قرن بیست و یکم با آن روبه رو است.

"ایدز" نه تنها سلامتی انسان را به خطر می‌اندازد بلکه، آسیبهای اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی در پی خواهد داشت، از این رو، جامعه بین‌المللی نمی‌تواند نسبت به روند گسترش این بیماری در سطح جهان بی تفاوت بماند. تامین منابع مالی مورد نیاز برای انجام مطالعه و پژوهشهای پزشکی و تهیه و تدارک ابزار و داروهای مورد نیاز برای مداوای بیماران و در همین حال گسترش آموزش عمومی برای پیشگیری از ابتلای به این بیماری، از راهکارهای پیشنهادی در سطح بین‌المللی است. بیماری ایدز در کشورهای ثروتمند در حال کنترل و شمار مبتلایان روبه کاهش است اما در کشورهای فقیر و یا با درآمد سرانه متوسط، ایدز در حال گسترش است. سازمان ملل در تحقیقات اخیر خود ابعاد گوناگون آسیبهای ناشی از گسترش ایدز در جهان را مطرح کرده است.

اما آفریقا تنها قسمت از کره زمین نیست که حیات انسانها در آن توسط بیماری "ایدز" نابود می‌شود. افزایش تعداد مبتلایان این بیماری در حال حاضر از کشورهایی گزارش می‌شود که قبلا جمهوریهای اتحاد جماهیر شوروی را تشکیل می‌دادند. همچنین، چین، هند و کشورهای اروپای شرقی نیز هر چه بیشتر با خطر این بیماری روبرو هستند.

شمار داروهای که برای مقابله با بیماری ایدز مفید واقع می‌شوند، از سال ۱۹۹۵ تاکنون سه برابر شده است. ترکیبی از داروهای معالج گوناگون، دشواریهای توأم با این بیماری را

ایدز در مجموع مبتلایان، به طور پیوسته تا سال ۲۰۰۳ روند صعودی خود را طی کرد و تا سال ۲۰۰۳، حدود نیمی از مبتلایان جدید را زنان و دختران تشکیل دادند.

در کشورهای جنوب صحرای آفریقا که در آن هر خانواده ای متاثر از بیماری ایدز است، تعداد مبتلایان زن در برخی از گروههای سنی، از دو برابر مردان نیز بیشتر است.

در کشورهای آفریقایی، اگر زنان به مراقبت از دیگر بیماران بپردازند، احتمال زیادی وجود دارد که شغل، درآمد و تحصیل خود را از دست دهند. زنان همچنین در صورت فوت همسر خود ممکن است که خانه و یا دیگر اموال خود را از دست بدهند.

تحقیق جامع سازمان ملل با اشاره به کمبود پزشک و پرستار برای درمان مبتلایان به ایدز می‌گوید، ۷۰ درصد پزشکانی که در آفریقای جنوبی تحصیل کرده‌اند، در خارج زندگی می‌کنند و این روند مهاجرت، کشورهای کم درآمد آفریقا را در نیاز مبرمی نگاه می‌دارد.

گزارش جهانی ایدز در سال ۲۰۰۴ تاکید دارد، انتقال ویروس اچ.آی.وی - یک حادثه تصادفی نیست، بلکه گسترش این ویروس متاثر از شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است.

این تحقیق با اشاره به این که روزانه ۶ هزار نفر به ویروس ایدز مبتلا می‌شوند، افزوده است، جوانان در گروههای سنی ۱۵ تا ۲۴ سال نیمی از مبتلایان جدید به ویروس ایدز را تشکیل می‌دهند. این روند به ویژه از آن جا هشدار دهنده است که جوانان امروز، بزرگترین نسل تاریخ و رهبران، متفکران و تصمیم گیرندگان فردا را تشکیل می‌دهند.

## ایدز در یک نگاه

در سال ۲۰۰۳، حدود، ۸/۴ میلیون نفر (براساس تخمینها بین ۴/۲ تا ۳/۶ میلیون نفر) به اچ.آی.وی- مبتلا شدند. این رقم بیش از هر زمان دیگری بوده است. ایدز در سال ۲۰۰۳، جان ۹/۲ میلیون نفر را گرفته و بیش از ۲۰ میلیون نفر را از سال ۱۹۸۱ (زمان کشف این بیماری) تاکنون از پای درآورده است. هیچ کشوری در جهان از این بیماری مصون نمانده است. درصد افراد بالغی که در کشورهای جنوب صحرای آفریقا به ویروس ایدز زندگی می‌کنند، طی سالهای اخیر ثابت مانده است اما در مجموع، تعداد افراد مبتلا به ویروس ایدز در این کشورها روبه افزایش است. میزان شیوع این بیماری در مناطق مختلف جهان تجانسی با

یکدیگر ندارد و ساکنان برخی کشورها بیش از کشورهای دیگر مبتلا شده‌اند و حتی در سطح یک کشور، به طور معمول در بین استانهای مختلف تفاوت وجود دارد. با نرخی که بیماری ایدز در حال گسترش است، این ویروس صدمه‌های جدی در آینده قابل پیش بینی خواهد داشت و بافت جوامع را خواهد گسیخت. این تحقیق می‌افزاید، در بسیاری از کشورهای پدیده‌های پرآرامی، تناس جنسی مردان یا یکدیگر نقش مهمی را در مورد ابتلای این بیماری ایفا می‌کند و تزریق مواد مخدر در اروپای غربی عامل ۱۰ درصد از ابتلای به اچ.آی.وی- در اروپای غربی و ۲۵ درصد برای آمریکای شمالی است. اطلاعات کشوری نشان می‌دهد، با وجود آن که راهبردهای موثری برای جلوگیری و مقابله با بیماری ایدز وجود دارد، با این حال شمار افرادی که با اچ.آی.وی زندگی می‌کنند، افزایش یافته است.

## آسیا

این تحقیق شمار افراد مبتلا به ایدز را در قاره آسیا حدود ۴/۷ میلیون نفر ذکر کرده و افزوده است، اعتقاد بر این است که حدود نیم میلیون نفر در سال گذشته به دلیل ابتلای به این بیماری جان خود را از دست دادند.

این تحقیق اضافه کرده است، بیش از دو برابر این رقم یعنی ۱/۱ میلیون نفر در سال گذشته در قاره آسیا به ویروس ایدز مبتلا شدند.

در میان مبتلایان جدید به ویروس ایدز، سه دهم درصد را زنان در گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ سال تشکیل می‌دهند و چهاردهم درصد به مردان در گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ سال تعلق دارد.

تحقیق جامع سازمان ملل حاکی از آن است که میزان ابتلا به ویروس ایدز در دو کشور پرجمعیت جهان (چین و هند) با جمعیتی معادل ۲ میلیارد و ۲۵۰ میلیون نفر، بسیار کم است، در چین یک دهم درصد و در هند بین ۴ دهم درصد تا ۳/۱ دهم درصد. اما نگاهی دقیق تر فاش می‌سازد که در هر دو کشور، به طور جدی در تعدادی از ایالتها و مناطق مشکلات جدی وجود دارد. در چین، در صورتی که اقدام موثری اتخاذ نشود، ممکن است تا سال ۲۰۱۰، ده میلیون نفر به بیماری ایدز مبتلا شوند. این ویروس هم اکنون به تمامی ۳۱ ایالت این کشور، مناطق خودگردان و شهرهای این کشور سرایت کرده است. با این حال، هر منطقه ای الگوی متمایز شیوع این بیماری را دارد. در برخی ایالتها چین، بقیه در صفحه ۱۲

بقیه از صفحه ۱۱

تزریق مواد مخدر از سوی استفاده کنندگان، ویروس ایدز را گسترش می دهد. در میان استفاده کنندگان از مواد مخدر تزریقی، شیوع اچ. آی. وی - بین ۳۵ تا ۸۰ درصد در شین جیانگ و ۲۰ درصد در گوانگ دونگ است. این تحقیق اضافه کرده است، هند بیشترین میزان مبتلایان به ویروس ایدز را در جهان (پس از آفریقای جنوبی) دارد و در این کشور ۶/۴ میلیون نفر در سال ۲۰۰۲ به بیماری ایدز مبتلا بودند. میزان ابتلای به ویروس ایدز در میان معتادانی که از ابزار تزریق استریل نشده استفاده می کنند، ۶۰ تا ۷۵ درصد است.

### کشورهای پردرآمد

حدود ۶/۱ میلیون نفر از مردم ساکن در کشورهای ثروتمند جهان در حال حاضر با ویروس ایدز زندگی می کنند و حدود ۶۴ هزار نفر از آنان در سال گذشته به ویروس ایدز مبتلا شده اند. بر اساس این تحقیق، در آمریکا تعداد افرادی که جان خود را بر اثر این بیماری از دست می دهند، به شدت در حال کاهش است و در سال ۲۰۰۲، در این کشور ۱۶ هزار و ۳۷۱ فقره مرگ بر اثر بیماری ایدز گزارش شده است که این در مقایسه با ۱۹۰۰۵ مورد مرگ در سال ۱۹۹۸، یک کاهش را نشان می دهد. همچنین در اروپای غربی، میزان مرگ و میر در میان مبتلایان به ایدز رو به کاهش گذاشته و این رقم از ۳۳۷۱ مورد در سال ۲۰۰۱، به ۳۱۳۰ مورد در سال ۲۰۰۲ رسیده است.

در آمریکا، نیمی از مبتلایان جدید را آمریکاییان آفریقایی تبار تشکیل می دهند. جمعیت آنها ۱۲ درصد جمعیت این کشور است اما شیوع اچ. آی. وی - در میان آنان، ۱۱ برابر بیشتر از افراد سفیدپوست است. در شهر نیویورک یک نظام جدید ردگیری این بیماری مسری در ژوئن ۲۰۰۰ آغاز شد و موارد جدید ابتلای به ویروس را به موارد گزارش شده قبلی افزود. گزارشی که در سال ۲۰۰۱ منتشر شد، فاش می سازد که بیش از یک درصد جمعیت بالغ شهر و یا تقریباً ۲ درصد از ساکنان منطقه منهتن (شهر نیویورک)، دارای ویروس ایدز هستند. در این گزارش همچنین آمده که در بسیاری از کشورهای ثروتمند، مقاربت مردان با مردان نقش مهمی را در ابتلای به بیماری ایدز ایفا می کند. برای مثال متداول ترین علت این بیماری در استرالیا، کانادا، ژلاندو،

آمریکا، یونان، آلمان و دانمارک همین امر است.

### آسیب های ایدز بر جمعیت جهان

تحقیق جامع سازمان ملل با اشاره به آسیبهای ویرانگر ایدز بر روی توسعه انسانی تاکید کرده است، در کشورهای آفریقایی جنوب صحرا، این بیماری صدمه ای جدی به درآمد خانوارها و جوامع زده است. اغلب تحقیقها بیانگر آن است که این کشورها به طور متوسط بین یک تا دو درصد از رشد اقتصادی سالانه خود را از دست می دهند اما این بیماری همچنین زینهایی را بر درآمد بخش دولتی زده و به طور متوسط قابلیت آن را برای پاسخگویی موثر به پیشرفت مورد نظر اجلاس سران گروه هشت (اهداف توسعه - کاهش فقر در جهان به نصف تا سال ۲۰۱۵) کاهش می دهد.

این تحقیق با اشاره به بحران نیروی انسانی کارآمد در کشورهای آفریقایی جنوب صحرا تاکید کرده است، این کشورها هم اکنون کارکنان ماهر مورد نیاز دولتهای خود را برای ارائه خدمات حساس عمومی از دست داده اند. ایدز این بحران را تشدید کرده است و این کشورها به طور فزاینده ای قادر به پاسخگویی به تعهدهای خدمات اجتماعی خود نیستند و نمی توانند افراد و منابع لازم را برای پاسخگویی موثر به آن بسیج کنند. کشورهای آفریقایی جنوب صحرا، که بیشترین میزان شیوع ویروس ایدز را دارند، با بزرگترین آسیبهای جمعیتی روبه رو هستند.

مرگ و میر بزرگسالان به دلیل ابتلای به بیماری ایدز در دهه های دوم و سوم عمر آنان بیشتر است و برای زنان بیش از مردان است. در کشورهای کم درآمد و با درآمد متوسط، احتمال مرگ فردی که در گروه سنی ۱۵ تا ۴۹ سال با ویروس ایدز زندگی می کند، ۲۰ برابر بیشتر از فردی است که در کشورهای صنعتی با همین ویروس زندگی می کند. این امر بیانگر تفاوت قابل ملاحظه در دسترسی به درمان این بیماری است. در کشورهای کم درآمد و با درآمد متوسط، میزان مرگ و میر بین دو و پنج مورد مرگ در هر هزار نفر جمعیت نوجوان و کسان است که در دهه دوم عمر خود زندگی می کنند. این تحقیق می افزاید، تا همین اواخر، کشورهای کم درآمد و یا با درآمد متوسط، طول عمر قابل ملاحظه ای داشتند. به هر حال، از سال ۱۹۹۹، در نتیجه گسترش این بیماری، میانگین طول عمر در ۳۸ کشور کاهش یافته است. در هفت کشور

آفریقایی که در آن میزان شیوع ابتلای به ویروس ایدز بیش از ۲۰ درصد است، امید به زندگی هم اکنون به ۴۹ سال کاهش یافته است که این رقم در مقایسه با سالهایی که ایدز شناخته نشده بود، ۱۳ سال کمتر است. پیش بینی می شود که در غیاب داروهای درمان ایدز در سوازیلند، زامبیا و زیمبابوه، میانگین طول عمر افرادی که در دهه آینده متولد می شوند، کمتر از ۳۵ سال باشد.

### آسیبهای ایدز بر زنان به ویژه

آسیبهای این بیماری بویژه بر زنان و دختران قابل ملاحظه است. اغلب زنان در کشورهایی که این بیماری در آن شایع است، با اوضاع نامساعد اقتصادی، حقوقی، فرهنگی و اجتماعی روبه رو هستند که این امر ضربه پذیری آنان را در برابر این بیماری افزایش می دهد. در بسیاری از کشورها، زنان مراقب، تولید کننده و سرپرست زندگی خانواده هستند. این به مفهوم آن است که آنان بیشترین سنگینی بار بیماری ایدز را تحمل می کنند. خانواده ها ممکن است دختران جوان را از مدارس برای مراقبت از اعضای بیمار خود خارج سازند. زنان مسن تری که از کودکان بالغ مبتلا به بیماری ایدز مراقبت می کنند، خود بیمار می شوند. زنان جوانی که همسرانشان را بر اثر ابتلای به ایدز از دست می دهند، ممکن است اراضی کشاورزی آنها و اموال آنها را پس از مرگ (اعم از این که موروثی باشد یا نباشد) از دست بدهند.

### تاثیر ایدز بر فقر و گرسنگی

در سطوح ملی، آسیبهای اقتصادی و جمعیتی بیماری ایدز، توجه رسانه های جمعی و محافل دانشگاهی را به خود جلب کرده است. تاثیرات اغلب فاجعه آمیز بیماری ایدز بر روی خانواده ها، مستلزم تحلیلهای بیشتر و تلاشهای سیاسی است. این تحقیق در این زمینه می افزاید، در زامبیا ارزش تولید ناخالص داخلی سرانه در فواصل سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۹، بیش از ۲۰ درصد کاهش یافته و از ۵۰۵ دلار به ۳۷۰ دلار رسیده است. در همین دوره، میزان کالری که مردم این کشور دریافت کرده اند، از ۲۲۷۳ کالری به ۱۹۳۴ کالری کاهش یافته است. بر اساس این تحقیق:

\* ایدز عامل از دست دادن درآمد و تولید یک عضو خانواده است و اگر فرد مبتلا تنها عضو نان آور خانوار باشد، این آسیب بیشتر است.

\* ایدز پرستاریهای فوق العاده ای را ایجاد می کند که به طور معمول با بیرون آوردن دیگر اعضای خانوار از مدرسه و یا محل کار برای مراقبت از فرد بیمار انجام می شود.

\* خانوارهای فقیر به ویژه در معرض خطر از دست دادن منافع اقتصادی و اجتماعی هستند و سرانجام زندگی شان از هم می پاشد و کودکان آنها به مناطق مختلف مهاجرت می کنند.

### آسیبهای ایدز بر کشاورزی و توسعه روستایی

این تحقیق با اشاره به این که بخش کشاورزی سالم برای خودکفایی و رفاه کشورهای کم درآمد و با درآمد متوسط امری حیاتی است، اذعان دارد که بیماری ایدز کشاورزی و امنیت غذایی را تحت تأثیر قرار می دهد و سرنوشت اقتصاد ملی و داراییها را تعیین می کند. کشاورزی ۲۴ درصد از تولید ناخالص داخلی آفریقا و ۴۰ درصد از مبادلات خارجی و ۷۰ درصد از میزان اشتغال آن را تشکیل می دهد. در سال ۲۰۰۰، حدود ۵۶ درصد از مردم آفریقا (بیش از ۵۶ میلیون نفر) در بخش کشاورزی شاغل بودند. متأسفانه در کشورهایی که به شدت از بیماری ایدز صدمه دیدند، این بیماری اساس کشاورزی را مورد حمله قرار داده و بسیاری از کارگران بخش کشاورزی را از پای در آورد. بر اساس یک تحقیق سازمان خواروبار کشاورزی سازمان ملل (فائو)، یک پنجم از کارگران بخش کشاورزی آفریقا در سال ۲۰۲۰، بر اثر بیماری ایدز جان خود را از دست خواهند داد. در جوامع روستایی، نابرابری جنسیتی آسیبهای ایدز را در بخش کشاورزی افزایش می دهد. در تانزانیا کمتر از ۵۰ درصد زنانی که همسرانشان به شدت مبتلا به ایدز هستند، در مزرعه کار می کنند.

### تاثیر ایدز بر کیفیت آموزش

این تحقیق با اشاره به تأثیر این بیماری بر آموزش و پرورش و توسعه بلندمدت آن تاکید کرده است که بر اساس گزارش صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل (یونیسف)، ۵۵ کشور قادر نخواهند بود که تحصیل اجباری دوران دبستان را در سال ۲۰۱۵ محقق سازند که در بین آنها ۲۸ کشور صدمه دیده از بیماری ایدز هستند. بر اساس این تحقیق، سالانه یک میلیارد دلار برای جبران هزینه های ناشی از ایدز بر بخش آموزش، مورد نیاز است. این بیماری مسری، کیفیت تربیت و آموزش را ضعیف می سازد و به بقیه در صفحه ۱۳

## روز جهانی ایدز، افزایش شمار مبتلایان

بقیه از صفحه ۱۲

مفهوم آن است که افراد کمتری از استانداردهای خوب مدارس و دانشگاهها برخوردار می شوند و این امر فرار مغزها را تشدید می کند.

### اما در کشور ملا زده ما

اولین مورد بیماری ایدز در ایران در سال ۱۳۶۶ در یک کودک ۶ساله هموفیلی که از فاکتورهای انعقادی وارداتی استفاده کرده بود، مشاهده شد. پس از آن، این بیماری به سرعت در افراد دیگری نیز مشاهده شد، به طوری که بر اساس آمار رسمی اکنون ۵۷۱۰ نفر آلوده به ویروس اچ.آی.وی-۱ در کشور ثبت شده که ۲۳۷ نفر آنان وارد مرحله حاد این بیماری شده اند و ۸۴۹ نفر نیز تاکنون بر اثر این بیماری فوت کرده اند. مسئولان حکومتی به علل مختلف از بیان آمار دقیقی مبتلایان به ویروس اچ.آی.وی-۱ خودداری می کنند، اما رییس مرکز مدیریت بیماریهای وزارت بهداشت، آمار واقعی مبتلایان به اچ.آی.وی-۱ در ایران را حدود چهل هزار نفر می داند، در حالی که برخی از کارشناسان دولتی، این آمار را ۱۳۰ نفر ذکر کرده اند. بر اساس آمار رسمی، در ایران ۵۷/۵ درصد معتادان تزریقی هستند که بر اثر استفاده از سرنگ آلوده به اچ.آی.وی مبتلا شده اند، ۶/۸ درصد به علت رابطه جنسی غیر ایمن و کمتر از یک درصد به علت استفاده از فاکتورهای خونی آلوده، مبتلا شده اند، علاوه بر آن ۳۳ درصد مبتلایان علت ناشناخته دارند.

آمار کمیته ایدز کشور آخوند زده ما به علت ثبت اتفاقی آن، غیر واقعی است و با توجه به اینکه معتادان تزریقی دستگیر می شوند، آمار بیشتری را به خود اختصاص می دهند اما چون آمار درستی از زنان روسپی و آمیزشهای جنسی غیر متعارف در کشور وجود ندارد، مسئولان بهداشتی - درمانی کشور اصرار دارند، انتقال ایدز را با مواد مخدر و اعتیاد مرتبط بدانند. دکترحمید عمادی، متخصص بیماریهای عفونی نیز معتقد است: "کم رنگ شدن مسایل اعتقادی در جوانان، نبود شغل و امکانات ازدواج به خصوص در سالهای اخیر، عامل اصلی گسترش ایدز در کشور بوده است." وی می گوید: "آمار دقیقی در مورد مبتلایان به ایدز در کشور وجود ندارد زیرا اساسا سیستمی برای آمارگیری آنان نیست."

دولتمردان جمهوری اسلامی معتقدند، هنوز آمار مبتلایان به ایدز در ایران نگران کننده

نیست و رعایت اصول اخلاقی و مذهبی در کشور ما به عنوان یکی از عوامل مهم بازدارنده عمل می کند. اما آنها غافل از این هستند که ایدز یک بمب ساعتی است که به طور ناگهانی منفجر می شود.

استفاده از ادوات پیشگیرانه از جمله شیوههای پیشگیری از ابتلا به ایدز است. در بعضی کشورها از جمله کشورهای اروپایی، استفاده از این ادوات یک قانون است و اگر از طرف شخص رعایت نشود، برخورد قانونی با او صورت می گیرد اما در کشورهای درحال توسعه، این یک قانون نیست. اصل اساسی، آموزش و ایجاد یک چتر حمایتی برای زنان و دختران است اما نکته دیگر، اطلاع رسانی و آموزش مردم فقط کار یک نظام سالم و دستگاهها و سازمانهای وابسته به آن است. برای مثال، آموزش و پرورش که با میلیون دانش آموز سروکار دارد، نقش موثری در این زمینه می تواند داشته باشد.

یک قانون نانوشته در جمهوری اسلامی می گوید، در مورد مسایل جنسی نباید صحبت کرد اما هنوز قانونی وجود ندارد که اگر اجرای این قانون نانوشته به قیمت جان هزاران نفر تمام شود، چه باید کرد. "ایدز" بیماری مهلکی که در نیمه قرن گذشته وارد زندگی بشر شد را اکنون همه می شناسند اما نگاه مجرمانه و انگهای اجتماعی که به علت همان قانون نانوشته در جمهوری اسلامی وجود دارد، کارشناسان را از گفتن شفاف واقعیتها بازداشته، به طوری که پزشکان نیز با زبان نصیحت سخن می گویند، نه زبان واقعیت.

"اچ.آی.وی-۱ عامل بروز این بیماری است که در صورت ورود آن به بدن، لفتونبستهها که جزو گلوبولهای سفید خون هستند، نابود می شوند که موجب ضعف سیستم ایمنی بدن می شود. ویروس ایدز از طریق ورود خون آلوده به بدن، آمیزش جنسی غیر ایمن، سرنگ و سوزن آلوده، شیرمادر و نیز مادر آلوده به جنین منتقل می شود.

ایدز فقط یک مشکل بهداشتی نیست بلکه یک مساله اجتماعی و فرهنگی است که به علت پیش داور و انگ اجتماعی، مبتلایان را به شدت آسیب پذیر می کند و آنان را از درمان موثر باز می دارد.

وحشت از طرد شدن و تنهایی، تحقیر، اخراج از محل کار و بدنامی موجب شده تا مبتلایان حتی در صورت آگاهی تا جایی که می توانند موضوع را مخفی کنند. برخی از مسئولان جمهوری اسلامی برای پیشگیری از انتقال بیماری ایدز از راه تماسهای جنسی و

کاهش آسیبهای اجتماعی، ازدواج موقت را به عنوان یک راه حل پیشنهاد می کنند و امیدوارند بتوانند با تبلیغات صرف از طریق رسانه های گروهی این مشکل را حل کنند اما تلاش آنان حداقل در دو دهه گذشته بی نتیجه مانده است.

### سال ۲۰۰۴ در یک نگاه!

بقیه از صفحه ۶

با مرگ عرفات، بزرگترین بهانه خود را از دست داده و باید به فکر چاره باشد. جنبش اسرایلیهای صلح طلب، جان دوباره ای گرفته است و به میدان آمده است. امید می رود که اگر زندگی عرفات که همه ی آن صرف شکل گیری کشوری بنام فلسطین شد، ناموفق جلوه کرد، مرگ او بتواند راه گشای شکل گیری این امر مهم شود.

در ایران، در حالی که رژیم جمهوری اسلامی سعی می کند تا با یکدست کردن قدرت، بر پاره ای از مشکلات فایق آید اما بحران عمیق تر از آن است که گوش به فرمانان ولایت فقیه، بتوانند چاله آنرا پر کنند. اختناق و سرکوب که مانع اصلی است، همچنان ادامه دارد.

در همین حال، بیکاری و گرانی و فقر، کار را به جایی رسانده است که خبر دهشتناک فروش دختران ایرانی در یک حراج در یکی از کشورهای حاشیه خلیج، چون بمبی ترکید و عمق وحشتناک بحران اجتماعی در ایران را به نمایش گذاشت. سرمای تهران به همدستی رژیم باعث مرگ تعدادی از بی خانمانهای تهران شد.

در سالی میلادی گذشته، رسوایی لو رفتن پروژه ساختن بمب اتمی بیشتر بالا گرفت و سه کشور اروپایی یعنی انگلیس، فرانسه و آلمان هم از موقعیت استفاده کرده و با رژیم به مذاکره پرداختند. این مذاکرات که با افشای بخشهایی از آن به رسوایی بیشتر شباهت داشت، توانست در اواخر سال به نقطه قابل اتکایی برسد. اما اروپاییهایی که خود را ملزم به رعایت حقوق بشر و حقوق شهروندی می دانند، در برابر این پرسش که دلیل تروریست نامیدن سازمان مجاهدین خلق در صورت تمکین رژیم ملایان از قوانین بین المللی چیست، همچنان ساکت مانده اند. اما رژیم ملایان نیز از برکات جنگ که در همسایگی او در جریان است به خوبی بهره مند شده و با راه انداختن دسته های مافیایی و گرم

کردن تنور جنگ در عراق، به سهم خواهی پرداخته است. هرچند "مقتدا صدر"، یکی از مزدوران آنها در برابر تهدید و پول پیشنهادی از جانب آمریکا، سر به راه شد ولی حضور تعداد زیادی از نیروهای اطلاعاتی و نظامی وابسته به رژیم در عراق و عدم توان کنترل از جانب دولت دست نشانده آمریکا، امکان بازی بیشتر را برای آنها فراهم کرده است.

اما در روزهای پایانی سال ۲۰۰۴، دولت دست راستی هلند، پانزده میلیون یورو بودجه برای تاسیس یک تلویزیون فارسی زبان که به جانب ایران پخش خواهد شد، در نظر گرفته است. پیشنهاد تاسیس تلویزیون فارسی از طرف فرح کریمی، نماینده ایرانی تبار مجلس هلند داده شده است. به نظر می رسد پس از رفتنمردم گرجستان و روی کار آمدن ساکاشویلی که همسری هلندی دارد و همکاری و هزینه بسیار گزاف انجام شده در اوکراین (به گفته یکی از وابستگان ارشد سفارت هلند در کیف، روزانه برای هر فرد پنج یورو هزینه شده است) برای انقلاب نارنجی، دولت هلند وارد بازی بزرگتری در ایران می شود تا بخت خود را در این پهنه بیازماید.

## نگاه به ژرفای هول هسته ای با تبسم

بقیه از صفحه ۷

"داوطلبانه و از نظر حقوقی غیرالزام آور تعلیق" را همچون سند پیروزی برسر حجره های تبلیغاتی خود الصاق کنند. این درحالی است که در بند ۱ قطعنامه، با تاکید بر "اجرای کامل و پایدار تعلیق" و فراتر از آن، "اساسی" شمردن این شرط "برای پرداختن به موضوعات باقیمانده"، دایره انتخاب ملاها در این پهنه، چیزی در حد صفر ترسیم شده است.

جمهوری اسلامی با عقب نشینی بی دربی و سپردن تعهدات بیشتر توانسته است، بازگشت پرونده هسته ای خود به شورای امنیت را برای یک دوره دیگر به تاخیر بیاورد. این همان موفقیت اتکاناپذیر و پر مخاطره ای است که هیچ یک از رهبران و کارگزاران حکومت اشتیاقی به چار زدن آن از خود نشان نمی دهند.

## جهان در آینه مرور

لیلا جدیدی

## کنفرانس تمکین در مصر

رهبان کشورهای خاورمیانه، بار دیگر بی لیاقتی خود را با خوردن توستی از حکام واشنگتن در کنفرانس وزیران کشورهای جهان که از روز ۲۳ نوامبر در شرم الشیخ، واقع در مصر برگزار گشت، به اثبات رساندند. این کنفرانس برای اتمام حجت آمریکا با دیگر کشورهای جهان پیرامون مساله اشغال عراق تشکیل شده بود.

تمامی همسایگان عراق که شامل کویت، عربستان سعودی، سوریه، اردن، ترکیه و ایران می شوند، همچنین بحرین، الجزیره، تونس و اتحادیه عرب و سازمان کنفرانس اسلامی، در این کنفرانس شرکت داشتند. کاولین پاول از آمریکا، وزیران خارجه جی-۸، چین، نمایندگان سازمان ملل و اروپا نیز از دیگر شرکت کنندگان بودند.

این گردهمایی مناسبترین فرصت را برای مخالفان جنگ آمریکا علیه عراق ایجاد کرده بود تا به جنگ ناعادلانه ای که دولت بوش علیه مردم عراق پراه انداخته است، اعتراض کنند و از آمریکا بخواهند که به اشغال این کشور خاتمه دهد. بویژه آنکه کنفرانس مزبور، درست پس از قتل عام بی پرده و گستاخانه فلوچه برگزار می شد.

اما چه خیال باطلی! هیچیک از این سران دمی بر نیاورند و جملگی به طرز شرم آوری از اعتراض به جنایات آمریکا در این کشور سر باز زدند. زمزمه ی پراکنده ای هم که برخی در اثر فشارهای اجتماعی مردم در روز نخست سر داده بودند، روز بعد به سکوت و تن دادن به همگی خواسته های آمریکا بدل گشت. کمال خرازی، وزیر خارجه جمهوری اسلامی، مانند چند کشور دیگر، بزدلانه تنها به انتقاد نیم بندی قناعت کرد و از "زیاده روی در بمباران شهرها" شکایت کرد. او مقاومت مردم عراق را خشونت خوانده و آنرا محکوم کرد. خرازی، زمان خروج آمریکا را "تا آنجا که مقدر باشد زودتر" خواستار شد و گفت: "اگر تا پایان سال ۲۰۰۵ نشد، حداقل در پایان ۲۰۰۵ باشد." درنهایت، جمهوری اسلامی، سوریه و حامی آنان فرانسه، تنها به محدود بودن زمان اشغال ابراز علاقه مندی کردند. جمله رژیمهای

خاورمیانه نیز در قرارداد نهایی به همین روال، در برابر خواسته های آمریکا سر تعظیم فرود آوردند. آنان، با حمایت از

انتخابات آمریکایی ۳۰ ژانویه، مهر تاییدی بر تهاجم و اشغال عراق زدند.

تمامی این تصمیمات در حالی اتخاذ گردید که انتخابات در جامعه عراق هنگامی که این کشور هنوز تحت اشغال قرار دارد، غیر قانونی، ساختگی و تقلبی بزرگ خوانده می شود. در این رابطه، تا کنون ۴۷ حزب و جریان سنی، شیعه، مسیحی و غیره اعلام کرده اند که این انتخابات را تحریم خواهند کرد. طبیعی است، هنگامی که آمریکا به برگزاری انتخابات در کشوری پافشاری می کند که نه تنها آن را در اشغال نیروهای مهاجم خود دارد بلکه همزمان نیروهای خود را برای تهاجم و کشتار بیشتر به شهرهای آن (از جمله فلوچه) می فرستد، مردم عراق از تن دادن به این انتخابات ناعادلانه، سر باز خواهند زد.

کاولین پاول به سوریه و اردن که در مراحل اولیه قدمهای سستی برای اعتراض یا بهتر است گفته شود "انتقاد" برداشته بودند، فهماند که کوچکترین انعطافی وجود نخواهد داشت و بهتر است که از وی پیروی شود وگر نه از دندان تیز بیر جنگل در امان نخواهند بود.

یکی از پیشگامان و خود شیرین کتان اصلی که برای کمک به آمریکا زودتر از همه سینه سپر کرد، جمهوری اسلامی بود که اعلام کرد، کنفرانسی از وزیران کشورهای منطقه ای در تهران برگزار خواهد کرد تا خواست آمریکا جهت بسته شدن مرزها به روی "تروریستها" پی گیری شود. خرازی بی صبرانه اعلام آمادگی رژیم اش را برای کمک به آمریکا نه تنها جهت ایجاد امنیت مرزی بلکه، میانجیگری بین آمریکا و مقتدی صدر را اعلام کرد. او پس از اتمام کنفرانس به رسانه های خبری گفت: "ما سعی می کنیم که صدر موضعی ملایم تر در برابر آیت الله سیستانی داشته باشد." رژیم جمهوری اسلامی با این حرکت نشان داد که وقتی پای بده بستان در میان باشد، منافع مردم عراق را مانند منافع مردم ایران برای چانه زنی زیر پا می نهد. این خوش رقصیها هدف نرم کردن آمریکا برای کوتاه آمدن در برابر اهداف اتمی رژیم را هم در بر می گیرد. اما تا آنجا که به آمریکا بر می گردد، منافع اصلی معاملات، نصیب آنکه قلدر تر است می گردد.

## کودکان عراقی، سندی برای اعلام جرم علیه آمریکا

دردناکترین و سخت ترین آسیبهایی ناشی از هشت سال جنگ ایران و عراق در سالهای ۸۰ که هر دوطرف دعوا با

سلاحهای آمریکایی تغذیه می شدند، جنگ خلیج در سال ۱۹۹۱، دوازده سال تحریم اقتصادی و سپس تهاجم و اشغال عراق، نصیب کودکان عراقی گشته است.

هزاران کودک عراقی از گرسنگی رنج برده، در سرعت رشد آنان اختلال ایجاد گشته، به لحاظ روحی تحت دلخراش ترین شرایط قرار گرفته، فاقد بهداشت، درمان و امکان ادامه تحصیل شده اند. بدتر از همه، زندگی آنان روزانه در معرض خطرات ناشی از جنگ قرار گرفته است. روزنامه آمریکایی واشنگتن پست، در این باره می نویسد: "آنچه امروز به عنوان مشکل تغذیه ناکافی در عراق وجود دارد، یک نسل پیش مشکل چاقی بیش از حد بود."

در حال حاضر ۶/۵ میلیون عراقی، وابسته به سهمیه بندی مواد غذایی هستند و این در حالیست که فقیرترها سهمیه خود را با کالاهایی که بیشتر مورد نیازشان است مانند دارو و پوشاک مبادله می کنند.

اقتصاد عراق آنچنان در هم شکسته شده که بیکاری به ۶۰ تا ۷۰ درصد رسیده است. این فقر تحمیل شده، مانع از آن گشته است که خانواده ها از عهده تامین مخارج اولیه کودکانشان بر آیند. کودکان لاغر و تکیده بر تخت بیمارستانها نیمه جان دراز می کشند. انتظار برای یک قوطی شیر خشک که به قیمت ۷ دلار به فروش می رسد، اکثرا بی حاصل می ماند. دستمزد یک کارگر - چنانچه کاری بیاید - روزانه نزدیک به ۴ دلار است و کفاف تامین معاش وی را نمی دهد.

فقدان برق و آب آشامیدنی پاک از دیگر عوامل تغذیه نامتناسب کودکان است. آنها حتی نمی توانند آب تصفیه شده را بجوشانند.

سیستم درمان و بهداشت بیش از هر بخش دیگری به سطحی اسفبار رسیده است. بنا به گزارشی از سوی مرکز تحقیقات استراتژیک و بین المللی، سیستم درمان و بهداشت این کشور، از مهیا کردن پایه ای ترین نیازهای مردم ناتوان است.

تاکنون، بیش از ۱۰۰ هزار عراقی جان خود را از دست داده اند که تعداد زیادی از آنها را کودکان تشکیل می دهند. اخیرا نیز ۳۴ کودک در زیر بمباران جان خود را از دست دادند. خانم کارول بلای، دبیر یونیسیف این حادثه را "قتل و عامی بی وجدانانه از عده ای بیگناه" خواند.

از هر ۴ کودک زیر ۵ سال، یک کودک از ضعف تغذیه رنج می برد و از هر ۸ کودک زیر ۵ سال، یک کودک قبل از

رسیدن به سن ۵ سالگی جان خود را از دست می داد. با در نظر گرفتن اینکه نیمی از جمعیت عراق را کودکان زیر ۱۸ سال تشکیل می دهند، این آمارها بسیار بالا هستند. بنا به گزارش اخیر سازمان یونیسیف، تعداد کودکان گرسنه و مرگ و میر در میان آنها پس از شروع جنگ، اکنون دوبرابر شده است. کمبود آب پاک آشامیدنی، کودکان را دچار بیماری اسهال می کند و از هر ۸ کودک مبتلا به این بیماری، ۷ تن جان خود را از دست می دهند.

از هنگام شروع جنگ، ۲۷۰ هزار کودک متولد گشته اند که هیچیک واکسنهای ویژه این سن را نزده اند. آنتی بیوتیک تنها به مقدار محدود یافت می شود از این جهت، عفونت معمولا به مرگ ختم می گردد. بیمارستانها شبها را به خاطر فقدان برق یا لامپ در تاریکی می گذرانند.

در شهرها، کودکان در تماس با مواد منفجره، مینها و دیگر خطرات، کشته و زخمی شده یا جان خود را از دست می دهند. تنها در بغداد ۸۰۰ سایت خطرناک که محتوی بمب و مواد منفجره مازاد مینهای ضد نفر است وجود دارد که سبب مرگ سربازان آمریکایی، مردم و بویژه کودکان می شود.

کودکان عراق از تحصیل هم محروم گشته اند. بیش از ۷۰ درصد مدارس ابتدایی که مورد تهاجم قرار گرفته اند، فاقد آب آشامیدنی هستند. از ماه مارس ۲۰۰۳، زمان شروع جنگ، ۷۰۰ دبستان در اثر بمباران منهدم گشته، ۲۰۰ مدرسه سوخته و وسایل ۲۰۰۰ مدرسه غارت شده است. کار باسازی تعداد اندکی از مدارس، به دلیل فساد مالی و بی توجهی نیمه کاره باقی مانده است.

نزدیک به دو سال پیش بوش و همدستانش با ادعای "آزاد کردن عراق"، سرزمین عراق و مردم ساکن آنرا بمباران کردند. این جنگ تاکنون ۱۲۰ میلیارد دلار برای آمریکا هزینه داشته است و تخمین زده شده که در سال آینده به ۸۰ میلیارد دیگر نیاز خواهد داشت. این در حالی است که تا کنون تنها دو میلیون دلار صرف باسازی گشته است. در ماه گذشته، وزارت خارجه آمریکا اقدام به قطع بودجه باسازی کرد تا آنرا صرف باسازی پلیس و ارتش کند.

پس از گذشت نزدیک به دو سال از خشونت و جنایت امپریالیسم آمریکا در عراق، تنها رنج، فقر و دلشکسته گی است که نصیب مردم عراق گشته است. بیش از نیمی از کسانی که در

بقیه در صفحه ۱۵

## جهان در آینه مرور

بقیه از صفحه ۱۴

این جنگ کشته شده اند را زنان و کودکان تشکیل می دهند.

روز ۱۵ دسامبر، بوش از جانب مردم آمریکا، "مدال آزادی" که در زمره با اهمیت ترین نشانهای افتخار در این کشور به شمار می رود را به گردن سه جنایتکار جنگی که شامل رییس سابق سازمان سیا، جورج تننت، پال برمر، رییس دفتر آمریکا در عراق و ژنرال بازنشسته ارتش تامی فرانکس، فرمانده سابق نیروهای آمریکایی در افغانستان و عراق، می شدند، آویخت.

به امید آن که این سه جنایتکار و دیگر همدستانشان به دست کودکان امروز و نسلهای آینده مانند هیتلر و یارانش به محاکمه در دادگاه جنایت علیه بشریت کشیده شوند.

### بعد از افغانستان و عراق، یک رییس جمهور نمایشی هم برای فلسطین

پس از مرگ یاسر عرفات، همه جناحهای درون شورای انقلابی الفتح، به حمایت از محمود عباس برآمده و او را برای جانشینی یاسر عرفات برگزیدند. آنها مروان برقوتی، یکی از رهبران فلسطینی که اکنون در زندان اسرائیل بسر می برد را تهدید کردند که چنانچه از کاندیداتوری خود دست بر ندارد، از حزب اخراج خواهد شد. حتی جناح نظامی درون الفتح هم از برقوتی خواست که به توافق عام و برگزیده الفتح پاسخ مثبت بدهد. سرانجام تحت فشارهای همه جانبه و این اتهام که او سبب انشعاب در سازمان الفتح خواهد شد، برقوتی عقب نشینی کرده و از کاندیداتوری خود صرف نظر کرد.

مارون برقوتی که اسرائیل او را به پنج بار حبس ابد محکوم کرده است، در بین جوانان فلسطینی محبوبیت زیادی دارد زیرا که او همواره از جنبش انتفاضه حمایت کرده است و به همین دلیل جانشین طبیعی عرفات شناخته می شود. از سوی دیگر، آمریکا و اسرائیل، محمود عباس را برای انتخابات نهم ژانویه در نظر گرفته اند. این در حالیست که عباس از محبوبیتی چندانی در بین مردم فلسطین برخوردار نیست و یاسر عرفات با انتخاب او برای انجام مذاکرات مخالف می کرد.

انتخاب عباس از جانب الفتح، در خدمت برآوردن تمایل واشنگتن و اسرائیل با هدف اثبات این که عرفات سد راه صلح بوده می باشد. اما نکته



این است که به عملیات جنگجویانه و خشونت آمیز گروههای مسلح از جمله حماس، جهاد اسلامی و الاقصا خاتمه دهد. رییس امنیت پیشگیرانه الفتح نیز گفت که حزب او همه میلیشیای مسلح خود و تشکیلات الاقصا را زیر کنترل مرکز خواهد برد. عباس برای نمایش خوش خدمتی خود اعلام کرد که از هم اکنون هر هنگام که اسرائیل بخواهد، حاضر است با شارون دیدار کند.

فشار به بروقوتی برای کناره گیری از شرکت در انتخابات امری از پیش قابل پیش بینی بود. انتخاب یک مبارز فلسطینی از

داخل زندان، سیلی محکمی به آمریکا و اسرائیل از جانب جنبش مردم فلسطین به حساب می آمد. این امری بود که دو کشور همدست،

حاضر به نرمش در برابر آن نبودند. به همین دلیل و برای ادامه پروسه صلح، بسیاری با کنار گیری او موافق بودند. با این حال، او در هنگام کناره گیری، ۱۸ شرط در برابر عباس و یارانش قرار داد که از جمله شروط او، تداوم انتفاضه همزمان با مذاکرات با اسرائیل، عدم خلع سلاح نیروهای مسلح و آزادی همه زندانیان سیاسی می باشد. او گفت، دلیل کاندیداتوری اش زنده نگاه داشتن مبارزه فلسطینیها و تفهیم این که "ده هزار زندانی فلسطینی آزادیخواه هستند، نه باند تروریستی" بوده است.

### موج پیشروی چپها در آمریکای جنوبی

آن چه که در دهه اخیر سیاست بازار آزاد برای مردم آمریکای لاتین به ارمغان آورده است، در جمعبدی نهایی، بدیهیهای کلان و فقر فاجعه باری است که مردم این منطقه را گرفتار خود کرده است. گرسنگی و فقر



محمود عباس که از هم اکنون وظایف ریاست سازمان آزادیبخش فلسطین را به عهده گرفته است، همواره از مخالفان پر و پا قرص خیزش فلسطینیها علیه اسرائیل بوده است. او کاندید مورد علاقه آمریکا، انگلیس و اسرائیل است و با وزیر خارجه آمریکا، پاول و جک استرا، درسفرهای متعددی که به منطقه خاورمیانه کرده اند، گفتگوی بی وقفه ای را برای خلع سلاح نیروهای نظامی فلسطینی داشته است.

عباس به حامیانش قول داده است که به طور کامل به خیزش فلسطینیها خاتمه دهد. او گفت، موفقیت در این کار مستلزم این است که اسرائیل از "حملات خود علیه فلسطینیها" و همچنین ادامه استقرار "دیوار" خاتمه دهد. با این حال او گفت که برای پایان دادن به چهار سال انتفاضه، پیش شرطی را در برابر اسرائیل قرار نمی دهد. محمود عباس به پاول و استرا گفت که مهمترین هدف پیش روی او

در دو کشور آرژانتین و اروگوئه که زمانی دارای صنعت و کشاورزی پر رونق بوده اند، نمونه های گویایی از دستاورد این بازار است.

این وضعیت اسفبار و ناعادلانه به تدریج مردم تحت فشار را به سمت رویگردانی از رژیمهای ستمگر و دست راستی که تنها منافع عده ای محدود را در نظر دارند، سوق داده است. از این روست که تنها در عرض یک هفته و در ۴ انتخابات مختلف، مردم به ستوه آمده از این سیاستها، رای خود را به نفع کاندیداهای چپ به صندوق ریختند.

طی یک هفته نیروهای چپ در آمریکای لاتین، از جانب مردمی که از اصلاحات تجاری سبک آمریکایی به ستوه آمده اند، به چهار پیروزی دست یافتند. در کشور کوچک اروگوئه، تاباره وازکوئز، یک رهبر چپ، به ریاست جمهوری انتخاب شد. این در حالی صورت گرفت که در انتخابات منطقه ای در کشور های برزیل، شیلی و ونزوئلا نیز نیروهای چپ، اکثریت را بدست آوردند.

رییس جمهور جدید اروگوئه که قبلا دو بار در انتخابات شکست خورده بود، با نرم کردن لحن افراطی چپ گرایانه خود و برگزیدن دانیلو آسورتی، اقتصاددان معروف به سمت وزیر اقتصاد در این انتخابات پیروز گشت. درحال حاضر، بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین آن چنان تحت فشار بدیهیهای ناشی از بازار آزاد قرار گرفته اند که به سرمایه گذارهای خارجی شدیداً نیازمند گشته اند و حتی دولتهای ملی و چپ نیز نیازمند سازگار کردن برخی از سیاستهای خود با وضعیت کنونی شده اند.

با انتخاب وازکوئز، اروگوئه وارد جمع کشورهای آمریکای جنوبی که به وسیله دولتهای چپ و یا چپ میانه اداره می شوند و در برابر سیاستهای آمریکا چالش ایجاد کرده اند، گشت. وازکوئز، لولا رییس جمهور برزیل را الهام بخش خود خواند.

یک تحلیل گر برزیلی در این رابطه می گوید: "دمکراسی در آمریکای جنوبی رشد داشته و در حال یکدست شدن است و این بدان معنی خواهد بود که آنان متحد و با خواستههای همگون، در مذاکرات تجاری در برابر آمریکا قرار خواهند گرفت."

چاوز در این باره گفت: "انقلاب آمده که بماند" و "مردم بزرگ آمریکای لاتین برخاسته اند."

## جامعه شناسی انقلاب فلسطین (قسمت اول)

نادر وهابی، پژوهشگر جامعه شناسی سیاسی مرکز مطالعات مهاجرین ایرانی در پاریس، گروه محققین (دانشگاه نانتر)

Centre d'études des  
immigrants  
iraniens (Université de  
Nanterre)

" پس از مرگ رهبر، باز بین رفتن روابطی که انسا نها را به او وصل می کرد، علی الاصول روابط خودشان هم با یکدیگر در معرض قطع شدن قرار خواهد گرفت.."

فریود، روان شناسی جمعی و آنا لیزخو دپ

عرفات با نیم قرن کوله بار انقلاب بی، به تاریخ مبارزاتی ستم دیدگان و محرومان پیوست. نام او در ردیف رهبران جنبشهای آزادیبخش، ضد امپریالیستی و ضد استعماری در نیمه دوم قرن بیستم، همچون گاندی - ناصری - مصدق - چه گوارا و... جلوه خواهد کرد. وی پیشگام و خالق سبک جدیدی از مبارزات انقلابی ورها بی بخش درخا ورمیا نه است که درکا نون خود به تغییرات انسان در جامعه می اندیشید. او به فلسطینیان هویت جدیدی بخشید که به عنوان بخشی از زتاریخچه انقلاب فلسطین همواره با دوار مختلف بیوگرافی عرفات عجین است.

انقلاب فلسطین، از ما حل بسیار دشوار و مختلف عبور کرد و تا آنجایی که به امرتحقق انقلاب و استقرار حاکمیت سیاسی مربوط می شد به اهداف خود دست یافت. ولی ستوالمشخص این است که مراحل بعدی انقلاب فلسطین چگونه خواهد بود؟ یا طوفان عظیم دهه های ۶۰ و ۷۰ در حال فرونشستن است؟ آیا با درگذشت عرفات، انقلاب فلسطین روبه افول خواهد رفت یا کماکان پیشتازی خود را در مبارزه قهرآمیز و رادیکال حفظ خواهد کرد؟ آیا دریک قیاس مع الفارق همچنانکه درگذشت ناصری صرموجب غروب جنبش ناصری لیستی وی شد می توان نتیجه گرفت که خورشید انقلاب فلسطین روبه خاموشی است؟ چنانچه چنین شقی متصوربا شد چه فرد یا جریانی

از فلسطینیان این بار را بردوش خواهد کشید؟

در پاسخ به صورت مسئله فوق درکلی ترین تعریف، دو تامل یا دو جواب دیده می شود.

۱- تاملی شدیدا اراده گرایی و انقلابی بی این تامل را "اراده گرایی" می نامند چرا که به طور فلسفی و انسانی شناخته شده اهمیت بیش از اندازه به نقش افراد در تغییر و تحولات سیاسی و اجتماعی می دهد. (۱) بر این باور است که تاریخ را با مصلحین بزرگ اجتماعی می نویسند و نه توده ها زیرا اینانند که هزینه تکامل اجتماعی را می پردازند. این تامل معتقد است که فلسطین بی عرفات اصلا وجود نخواهد داشت. معتقد به تداوم انقلاب با تکاپو از نژادی بزرگتر است و نه استبداد می کند که اگرچنانچه انسان ابوعمار بخواند سازش کنند و مردمی با ۵۰ سال مبارزه خونین را بفروشند، هر کودک فلسطینی تبدیل به یا سرعفات خواهد شد و میز معامله را به هم خواهد ریخت. این تامل حتی مخالف ورود عرفات به پروسه پیمان صلح اسلواست و آنرا وقت تلف کردن می داند زیرا به نظریه گرایش دولت اشغالگر صهیونیست به هیچ بر نسیب و اصولی پایبند نیست و تنها زبانی که می فهمد زبان قهر است. معتقد است عرفات به عنوان پیگیرترین و شفاف ترین رهبر فلسطینی ها، بالاترین مدارخله راعلیه دولت اسرائیل داشته است و بنا بر این سنت مبارزاتی وی تداوم خواهد یافت.

جناح های از این تامل درعین حال از آنکه دوجریان اسلواست و سوس و چها داسلا می در فقدان جریانات اصولی، پیشتازی جنبش قهرآمیز را به عهده دارند، ناخوشود به نظریه رسند زیرا واهمه از مدل جمهوری اسلواست می خمینی و حتی وحشتناک تر از آن "طالبان"، آنان را و می داند که ضمن دفاع از تداوم انقلاب و مرزهای خود را با جریانات فوق پررنگ، ترسیم کنند. به طور خلاصه این اردوی فکری، خواهان تداوم انقلاب تا پیروزی علیه دولت اسرائیل است.

۲- تاملی چپ ریز یونیسف این جریانی فکری پس از فروپاشی اتحادشوری و قطعی شدن جهان، مخالف هرگونه تغییرات انقلابی و رادیکال از طریق عنصر قهر است. از تزهنده اجتماعی "کارل پوپر" (Karl Popper) مبنی بر فرم های مرحله به مرحله دفاع می

کند. (۲) ازیک ساختارگرایی جامعه شناسی حمایت می کند که غالباً در تحولات اجتماعی محافظه کار است.

این گرایش در خلوت، زمرگ عرفات خوشحال است ولی به دلایل عطفی و سیاسی آن را به زبان نمی آورد. به طور ضمنی او را "پدرخوانده" تروریست می داند (۳) وی را "منازع پیشرفت مذاکرات صلح" می داند زیرا معتقد است که از ۳۰ ساله ۲۰۰۱ که عرفات توسط دولت اسرائیل در رستادش مورد بازداشت واقع شده بود، وی از نظر سیاسی مرده بود و حرف جدیدی نداشت. (۴) به طور مطلق مخالف هرگونه خشونت و راه حل های انقلابی و رادیکال است. خود را چپ مدبره و رفرمیسم می داند. حقایق حقوقی سیاسی، اجتماعی و مدنی را فقط در چارچوب حاکمیت (Etat) می بیند. موافق طرح خاورمیانه بزرگ آمریکا است. زحمت نظمی آمریکا در عراق و افغانستان پشتیبانی می کند. در فرهنگ سیاسی خود از به کار بردن صفت "تروریست" علیه آن بخش از انسان ها می که مقاومت علیه ظلم و نا برابری را حق مشروع خود می دانند هر کسی به خود راه نمی دهد. در یک روال خود بخودی و گاهی ناخودآگاه در یکا رگیری از این واژه، همراه و همصدا با مطبوعات و وسایل ارتباط جمعی، نقش بازتولید نرم های حاکم را ایفا می کنند تا مشروعیت هرگونه جریانی رادیکال را زیر سؤال ببرند. در یک کلام، این تامل انقلاب فلسطین را به صورت یک پراتتزیسته می بیند که متعلق به دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ است و با دیدن خدا حافظی کرد.

با دیدن آوری کرد، تلاش در جهت الگو بخشیدن به دو گرایش فوق درکلی ترین تقسیم بندی، به معنی ندیدن گرایشهای دیگر یا زیر مجموعه هایی که خود را در این دو تامل نمی بیند نیست، بلکه در حد این مقاله خواستم یک جمع بندی کلی در روش کار ارائه داده باشم. تا با تکاپو آن بتوانیم روال منطقی بحث را حفظ کنیم.

بنابراین با توجه به این دو گرایش فکری، این پژوهش مایل است بفهمد با توجه به مسیری طی شده تا کنون، انقلاب فلسطین کدام یک از مدل های شناخته شده انقلابها را خواهد هدیمو؟ آیا کماکان به آرمان انقلابی خود وفا خواهد نمود؟ یا دچار استحال می شود؟ تکلیف جنبش انتفاضه چه خواهد شد؟ آیا انتفا

ضه دوم که از ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۱ شروع شده است به عنوان یک پراتتزیسته شده یا این می تواند یا درمدا رجید یا دینا میزم نوینی ادا خواهد یافت؟ توده های فلسطینی تا چه حد توان تحمل یک جنگ فرسایشی را دارند؟ تکلیف پیمان صلح اسلوا چه خواهد شد؟

بدون هیچ تردیدی مرگ عرفات پایانی یک فاز برجسته و آغاز یک مرحله نوین در انقلاب فلسطین است. درعین حال با پستی تا کید کرد که تشکیلات فلسطینی بجا مانده از وی، به عنوان یک واقعت "دو فاکتور" ازجانب اسرائیل به رسمیت شناخته شده است و بنا بر این هرگونه تحولات انقلابی فلسطین از کانتال تشکیلات فعلی خواهد گذشت. در نتیجه وجود این واقعت "پا را دو کس" و غامض است که در

ست محقق را به روال یک تحلیل کلاسیک از انقلابها می بندد. بنا بر این همه آنها می که با یک رو یکدعا طفی - روانشناسی درکا در گرایش اول، از تداوم انقلاب دفاع می کنند نباید فراموش کنند که تشکیلات فلسطین یک عمر حدود ۱۰ ساله دارد که همه جناح های درگیر در سرزمین های اشغالی، به طور نسبی آنرا قبول دارند. از این رو هرگونه چشم اندازی که برای آینده انقلاب فلسطین متصور با شد، چنین فرآیندی به طور قطع از کانتال این تشکیلات می گذرد و ما این را به عنوان یکی از اصول پایه ای بحث پذیرتیم. زیرهنگامی که یک دولت دو خصیصه مهم و پایه ای خود را - سرزمین و مردم - داشته باشد، چنین دولتی، مطابق تعریف حاکمیت مدرن (Etat) از ابتدای قرن ۱۸ را روپا، شایسته به رسمیت شناخته شدن از جانب تمام دول است و این فاز، برگشتنا پذیر است.

مرگ عرفات درعین حال با دوریداد مهم متقارن شد. اول انتخاب مجدد بوش به ریاست جمهوری آمریکا و تحکیم حاکمیت جناح بازها تا سال ۲۰۰۹. دوم رای پارلمان اسرائیل مبنی بر عقب نشینی نیروهای ارتش این کشور از نوار رزه تا پایان سال ۲۰۰۵. (۵) بنا بر این با توجه به این دو عوامل مهم و با عطف به مجموعه نیروهای فعلی دست اندرکار در انقلاب فلسطین، چهار مدل سیاسی برای آینده تشکیلات خود مختار فلسطین متصور است.

مدل اول: الگوی ناصری - سادات

بقیه در صفحه ۱۷



بقیه از صفحه ۱۶

مدل دوم: الگوی یک نظام توریتر از نوع حزب بعث (مدل حافظ اسد یا صدام حسین)

مدل سوم: الگوی جمهوری اسلامی مدل چهارم: تداوم انقلاب فلسطین و تحول جنبش انتفاضة درکادرا این مقاله، فرضیه این پژوهش و هوش به طور اساسی برمدل اول استوار است و بررسی سایر مدل‌ها را پس از جمع‌آوری منابع و اطلاعات، به مهلتی دیگر موقوف می‌کنیم. فرضیه را به صورت زیر می‌توان عنوان کرد:

تشکیلات خود مختار فلسطین به دلیل ضعف‌های ساختاری از یک سو (فقدان یک رهبر کارسما تیک، فساد اداری و عدم وجود نهادهای سیاسی، اجتماعی و مدنی یا پیدار) و از سوی دیگر با چشم‌انداز ازدست‌دادن مشروعیت مردمی، در یک پروسه زمان‌نی‌مشخص، ضمن پایان بخشیدن به روند انقلابی خود، سرانجام برای بقای خود احتمال دارد طی فرآیندی از درون استحاله و به غرب آمریکا متوسل شود. در این حالت همچنانکه سادات جانشین ناصر، نتوانستند مدت‌ها در یک جنگ فرسایشی با اسرائیل ادامه دهند چنین به نظر می‌رسد جناحی از رهبران فعلی فلسطین ضمن قبول طرح شارون، دولت خود مختار را در مسیر جدیدی هدایت خواهند کرد که به طور ماهوی با گذشته متفاوت است.

برای بررسی این فرضیه مروری بر مهم‌ترین سرفصل‌های انقلاب فلسطین ضروری می‌نماید.

"برین تن" Brinton، جامعه‌شناس آمریکایی (۶) در مطالعات خود پیش‌درمورد چهار انقلاب بزرگ (انقلاب صنعتی انگلیس، انقلاب سیاسی آمریکا، انقلاب کبیر روسیه و انقلاب کبیر فرانسه)، تلاش نمود و جوش مشترک این انقلاب‌ها را تحت عنوان نقاط عطف، مورد مطالعه قرار دهد. وی معتقد است که این انقلاب‌ها از چهار رفا زجبری مختلف، در عین حال مشابه و تکرار شونده عبور نموده‌اند.

اگر از زاویه جامعه‌شناسی میکرو، "تر" برین تن" در برخورد با انسان بسیار ساده‌انگارانه و از نگاه انسان‌شناسی بسیار مکانیکی و بزاری است، ولی از نگاه جامعه‌شناسی کلان‌شمایی قابل قبول و کاربردی، حداقل برای تعدادی از تحولات انقلابی در دو قرن گذشته است. البته با

پیداوری نمود که "تر" برین تن" به علت بافت برخی از ساختارهای اجتماعی سیاسی بلوک شرق (چکسلواکی، لهستان، ...) در مورد تحولات اجتماعی این بلوک کاربرد ندارد.

بنابراین، با الهام از "تر" برین تن"، توجه این مقاله معطوف به چگونگی کاربرد این تئوری در جامعه‌شناسی میکرو است. به عبارت بهتر در این روش، انسان به عنوان یک کنش‌گر فعال اجتماعی در کانون توجه قرار می‌گیرد و محقق علاقه‌مند است بفهمد که وی در لحظه T+1 چه می‌کند و چرا در لحظه T+1 به گونه‌ای دیگر عمل می‌کند. (۷) در واقع پژوهشگر در تعقیب کنجکاوانه سوژه مورد علاقه خود، انتخاب‌های وی را به اعتبار عناصر اجتماعی مورد مطالعه قرار می‌دهد.

فا زاول: فاز شوروی‌ها انقلابی و به دست گرفتن قدرت سیاسی "برین تن" معتقد است که فا زاول انقلاب‌ها در پایان فرآیند دوشکست محقق خواهد شد. از یک طرف، حاکمین قبلی به این نتیجه می‌رسند که دیگر تکتیک‌های جدیدی در مبارزه سرکوب فیزیکی ندارند و در این زمینه به بن‌بست می‌رسند. از طرف دیگر، جنبش سیاسی در پروسه رشد خود به مرحله‌ای می‌رسد که هرگونه توهم و باهام را از ذهن توده‌های مردم می‌زداید و با ورود عناصر اجتماعی به صحنه سیاسی و روشن شدن "موتور بزرگ"، تک‌تک نهادهای رژیم قبلی فرومی‌ریزد و جنبش اجتماعی موفق می‌شود حاکمیت سیاسی خود را محقق سازد.

در کار انقلاب فلسطین این فاز با بنیان‌گذاری الفتح توسط عرفات در سال ۱۹۵۸ در کشور کویت آغاز می‌شود و پس از طی مراحل و سرفصل‌های گوناگون و پیچیده، با ورود عرفات در اول ژوئیه ۱۹۹۴ به سرزمین‌های اشغالی به پایان می‌رسد. در چارچوب محدودیت‌های این مقاله مهم‌ترین این سرفصل‌ها عبارتند از: (۸)

۲۸ می ۱۹۶۴، به دنبال بنیان‌گذاری سازمان آزادیبخش فلسطین در قاهره با حمایت سیاسی جمال عبدالناصر، شورای ملی فلسطین، اولین اجلاس خود را در بیت المقدس شرقی برگزار می‌کند. در این اجلاس، شیوه قهرآمیز به عنوان تنها راه مبارزه با دولت اشغالگر صهیونیست به تصویب می‌رسد.

۳۱ - ۱۹۶۴، اولین عملیات الفتح در داخل خاک اسرائیل با موفقیت انجام می‌شود.

ژوئن ۱۹۶۷، شکست ناصردر جنگ شش‌روزه موجب می‌شود که ذهنیت توده‌های عرب نسبت به رهبران و پادشاهان عرب تغییر کند و افکار عمومی اعراب به سمت حمایت از سازمان آزادیبخش فلسطین به عنوان تنها نماینده واقعی مردم فلسطین میل کند. بعدها یکی از رهبران الفتح گفته بود که شکست ناصربا عث شد که توده‌های فلسطینی در ریک سینی طلایی به سافت‌تقدیم گردند.

۴ فوریه ۱۹۶۹، عرفات به عنوان ریاست‌اجرائی سافت‌برگزیده شد. ۳۰ - ۲۰ سپتامبر ۱۹۷۰، در یک سرکوب خونین در اردن، حدود ۳۰۰۰ نفر از فدائیان فلسطینی توسط ملک حسین قتل‌عام می‌شوند. این واقعه به سپتامبر سیاه معروف می‌شود که منجر به خیل عظیم مهاجرت فلسطینیان به لبنان می‌گردد و تشکیلات مبارزاتی فلسطین، مقر خود را به بیروت منتقل می‌کند. ملک حسین گسترش جنبش فلسطین را یک تهدید سیاسی برای حاکمیت خود می‌دید.

۲۲ نوامبر ۱۹۷۴، عرفات ضمن حضور در سازمان ملل متحد با شاکه زیتون و یک اسلحه، توانست مشروعیت بین‌المللی سافت را تثبیت نماید.

ژوئن ۱۹۸۲، جنوب لبنان تا بیروت توسط اسرائیل اشغال می‌شود و در نتیجه مهاجرت سومی به مزارین فلسطین تحمیل می‌شود که در نهایت به انتقال مقر سافت به تونس ختم می‌گردد.

۹ - ۱۹۸۷، شروع انتفاضة در سرزمین‌های اشغالی است که به مدت ۶ سال به طول می‌انجامد و رود توده‌های فلسطینی در صحنه مبارزه سیاسی با عث می‌شود که اسرائیل با عرفات وارد مذاکره شود. به اعتقاد نگارنده این همان مرحله‌ای است که "برین تن" از آن به عنوان مرحله بن‌بست، چه در راه ساحت حاکمیت اسرائیل و چه در بین مردم فلسطین، یاد می‌کند. به عبارت بهتر اسرائیلی‌ها به این نتیجه رسیدند که در مقابل جنبش انتفاضة هیچ راهی به جز پذیرش عرفات به عنوان نماینده واقعی مردم فلسطین ندارند. چنانچه اگر اجتماعی شدن جنبش فلسطین در سرزمین‌های اشغالی محقق نمی‌شد بعید به نظر می‌رسید که اسرائیل، در مقطع پیمان صلح اسلو، حق تاریخی فلسطینیان را مبنی بردارای بودن یک کشور مستقل در

سرزمین‌های اشغالی به رسمیت بشناسد.

۱۳ سپتامبر ۱۹۹۳، پیدارتاریخی را بین عرفات و شینگتن با حضور رکلینتن، منجر به راه‌افتادن قطار صلحی شد که در فرآیند بعدی خود به قرارداد سلوختیم گردید. در آن روز کسی نمی‌توانست حدس بزند که بهای این قطار صلح چنان دوا مضاعف‌کننده اصلی این قرارداد خواهد بود. می‌گویند راه‌تکامل اجتماعی، زنده‌سازی فلسفی و فلسفی بدون قربانی‌دادن به پیش نمی‌رود ولی چنین به نظر می‌رسد به همان میزانی که ترور را بین با عث پیشرفت جنبش صلح در اسرائیل شد چنانچه اگر فرضیه ترور سافت عرفات واقعیت داشته باشد مرگ وی ضایعه جبران‌ناپذیری برای انقلاب فلسطین خواهد بود، هرچند به جد می‌توان گفت که آتش خون عرفات و همه مردم فلسطین در زمان سافت به زیان اسرائیل خواهد بود.

اول ژوئیه ۱۹۹۴، عرفات پس از حدود نیم قرن در تبعید، به میعادگاه خویش به فلسطین بازمی‌گردد. وی تشکیلات خود مختار خود را در روزه مستقر می‌سازد. در اکتبر ۱۹۹۴ با دریافت جایزه صلح نوبل، مشروعیت بین‌المللی دولت خود را تثبیت می‌بخشد.

ورود عرفات به فلسطین و بااعلان دولت خود مختار و با خروج اسرائیل از شهرهای اصلی کرانه غربی در ژانویه ۱۹۹۶ مرحله اول انقلاب فلسطین که به دست گرفتن قدرت سیاسی بود، به اتمام رسید و انقلاب فلسطین وارد فاز دوم: فاز زحران و حاکمیت مدرها

این فاز از ۲۰ ژانویه ۱۹۹۶ شروع می‌شود و با مرگ عرفات در بیمارستان نیوزا می‌درجنو پاریس در ساعت ۳۰.۳ با مدد پنجشنبه ۱۱ نوامبر ۲۰۰۴ به پایان می‌رسد.

هنگامی که از واژه بحران استفاده می‌شود، منظور این است که پس از استقرار تشکیلات فلسطین، سرزمین‌های اشغالی از خصایص جامعه‌شناسی ختی زیر پر خوردار است:

الف - شکاف در جبهه انقلاب انگلیسی می‌گویند:

بقیه در صفحه ۱۸

بقیه از صفحه ۱۷

"به ندرت می توان دید که تمام مردم به چیزی جز به چیزها می توانند بخورند و به کار برند اعتقاد داشته باشند. معجزه اگر وقتی چنین اعتقاد می باشد به چیزی پیدا کنند تا ریح ایشان، روح را به تکان می آورد و قابل توجه می گردد" (۹)

چنین اعتقاد می باشد که هدف بزرگ در مردان و زنان فلسطینی هنگامی ایجا شد که آنها در عمل دیدند که پیشگامان انقلابی شان در کلاسها و مدارس از آنها بیخوش فلسطینی علیه صهیونیسم اشغالگر متحد شدند. فلسطینیان در نیم قرن گذشته با رنج و خون خود صفحات بیشمار را رنج رقم زدند و فداکاری های که تحمل کردند هر آن و هر لحظه به عنوان الگویی ستودنی برای ملل مستعبدیده باقی خواهد ماند. در کانون این الگو، ساف قرار داد که توانست گرايشات گوناگون سیاسی را حول یک آلمان ملی متحد سازد.

این وحدت و یک پارچگی فلسطینیان پس از انتخابات عمومی ۲۰ ژانویه ۱۹۹۶، با برخورداری چپ روانه بخشی از گروه های چپ از یک سو و دامنه عملیات انتحاری توسط حماس و جهاد اسلامی از سوی دیگر، رفته رفته روبه افول نهاد. دور "سیکل تکراری و انتقام جویانه" خود باعث تضعیف دولت نوپای عرفات گردید.

آبشخور این اختلاف، صرف نظارت خاستگاه های متفاوت طبقاتی و سیاسی به طور اساسی به جریان "پییمان صلح اسلو" برمی گردد. داعیای بر تریب که جریانات را در یکال و افراطی مخالف "اسلو"، حد اقل پس از انتخابات ۲۰ ژانویه ۱۹۹۶ قواعد یک بازی در مکران تیک را محترم می شماردند؟ پراختیایات ۲۰ ژانویه ۱۹۹۶ با دید تامل کرد زیرا مشروعیت انقلابی و مبارزاتی عرفات در یک انتخابات مردمی و د مکران تیک تبدیل به یک مشروعیت جا معه شناختی و مردمی گردید و از این تاریخ آیا بهتر نبود همه عناصر، سازمان ها و تشکلهای فلسطینی، ضمن زمین گذاشتن سلاح های خود، حول یک منشور سیاسی متحد می شدند؟ اما چنین به نظر می رسد که عدم تربیت مردمی مکران تیک در جریانات نامبرده باعث شد که انقلاب فلسطین از درون د چارشتت و چند پارچگی گردد.

ب- فساد اداری  
یکی از ویژگی های مهم انقلاب فلسطین تربیت کارهای ورزیده

و انقلابی بود. الفتح اولین جریان انقلابی در منطقه خاور میانه است که تلاش نمود با روش های نوین و سیستماتیک به مفهوم مبارزه به عنوان امری علمی بیندیشد. عرفات که خود از جریان اخوان المسلمین جدا شده بود (۱۰) به همراه یاران بنیانگذارش (بوجهه دوقیه) سعی نمود به جنبه ناسیونالیستی انقلاب فلسطین یک لایه "ایدئولوژیکی آرام" بیالاید. رهبران فلسطین به تغییرانسانها در خلال شرکت فعال در یک مبارزه اجتماعی می اندیشیدند. بنا بر این اولین هدف، تربیت فردی و انقلابی انسان ها می بود که در یک فرآیند فعال انقلابی، خود را از وابستگی های مادی، جانی و خانوادگی نجات دهند. گرچه با فروپاشی اتحاد شوروی و با یک قطبی شدن جهان و نیز تجربه ناموفق انقلاب ها می چون ایران، سخن از آزادی انقلاب و انقلابی داده رو شنفکری یافته است و گرچه پس از دخالت نظامی آمریکا در خاور میانه شاهد گردیدیم بخش مهمی از چپ انقلابی هستیم ولی نباید فراموش کرد که وجود سازمان آزادی بخش فلسطین به عنوان شرط ذهنی و هدایت کننده جنبش فلسطین نقش عمده تعیین کننده ای در اجتماعی کردن جنبش فلسطین از طریق انتفاضة یک و دودا شده است و این تلاش در جهت خلق انسان های آزاد ورها تا دهه ۱۹۸۰ به طور پیگیر در افتح و سازمان های فلسطینی به گونه ای جدی تداوم داشته است.

اما پس از شکست فلسطینیان در لبنان و انتقال بخش اعظم رهبری و کادراهای ساف به تونس درسال ۱۹۸۲، زمینه های مادی یک کمیته بوروکراتیک و غیرانقلابی شروع به نشوونمو می کند. دوران تبعید و اجتماع شدن مجدد در دیرا رجدید، انسان ها را در چرخه راه های اجتماعی جدید، در معرض انتخاب های نوین قرار می دهد. بخشی از رهبران ساف از این مقطع وارد سرما به گذاری در شرکت های مختلف تجاری می شوند. رآغاز، این امر به عنوان یک درآمدمد "انتفاعی" برای ساف نگریسته می شد ولی در پروسه رشد خود تبدیل به بخشی از اداراتی های خصوصی تعدادی از کارها و رهبران ساف می شود که مغایر با اهداف اولیه انقلاب فلسطین بود.

دربستری از چنین رشد اداری و طبقاتی در ایام تبعید، کمیته سیاسی تشکیلات خود مختار فلسطین در ژوئیه ۱۹۹۴ با ویروس علاج نا

پذیری در درون خود مواجه می شود که خصلت عمده آن به طور جامعه شناختی Clientalism " مشتری گرای" است. این ویژگی به طور ساده در یک "روابط کاملاً فردی متقابل" تعریف می شود. بدین معنی که ضمن جایگزین شدن روابط به جای ضوابط، افراد در نهایت به منافع فردی و به سود و زیان خود می اندیشند تا به منافع انقلاب و جمع. داستان تغییرات انسان در جهت عکس، بحث جداگانه ای را می طلبد که خارج از ظرفیت این مقاله است. مسئولیت شخص عرفات و عدم مبارزه قاطع وی با "بندهای فساد" در درون تشکیلات ساف موجب شد که بخشی از توده های فلسطینی جذب جریانات رادیکال و افراطی گردیدند.

ج - فقدان یک دولت متمرکز و د مکران تیک  
"برین تن" یکی از علائم مهم فزادوم راحاکمیت مدرن ها می دانند که اساسی ترین ویژگی آن فقدان "توریت" دولت ویا به عبارت ساده تر، حضور مشتمل کننده یک نوع "آنا رشی آرام" است. این حاکمیت ها، در کشورهای پیرامونی یک خصلت شبه دمکراتیک دارند و در درازمدت، این توان را ندارند که با مشکلات دوران بحران به سرعت خود را وفق داده و در نتیجه دیرپا زود برکنار شده و جای خود را به جریانی "رادیکال تر" می دهند. خروج اسرائیل از کرانه غربی اردن و سپردن این نواحی به دست تشکیلات خود مختار فلسطین در سال ۱۹۹۶، منطلق اشغالی را از نظر ساختاری در وضعیتی قرار می دهد که از نظر جامعه شناختی اصطلاحاً "تطیلی دولت" (Vacances d'Etat) نامیده می شود. (۱۱) این تطیلی می باشد که بستگی به فرآیند دمکراتیک "توریت قانونی" و دولت را به جا معه بازگرداند. به عبارت دیگر تاهنگامی که ارتش اشغالگر اسرائیل خشونت فیزیکی خود را اعمال می کرد بخش های تحت اشغال به طور جامعه شناختی، استقلال و خود کفایی خود را از دست داده بودند و به محض برداشتن این حاکمیت نظامی، این بخش ها با برخورداری از یک حاکمیت دمکراتیک توان آن را می یابند که شروع به یک همکار می متقابل و آزادی بین اجزای نما یند.

حاکمیت خود مختار فلسطین به دلیل فساد اداری ذکر شده، به دلیل ضعف های جدی فردی در شخص عرفات به منظور اداره امور به گونه

ای دمکراتیک و مدرن و زهمه مهمتر روی کار آمدن جناح با زها در آمریکا و اسرائیل به عنوان شرط برون و نی... عوامل مهمی هستند که مانع از تشکیل یک دولت قوی و متمرکز گردید. بدون هیچ تردیدی با یکوت عرفات توسط بوش و پشت پازدن پیمان اسلوتوسط شارون و نیز عواقب ناشی از ۱۱ سپتامبر سلسله ای از حلقه های به هم پیوسته ای هستند که در فرآیند خود باعث زمین گیر نمودن عرفات و ناتوانی سیاسی وی گردید.

در کنار این عامل بیرونی لازم به تاکید است که سرزمین های اشغالی به دلیل حاکمیت یک دولت اشغالی لگرتی نیم قرن، فاقدهرگونه نهاد های سیاسی، مدنی، سندیکایی و حزبی مستقل در استانها به قدرت رسیدن تشکیلات خود مختار فلسطین است. در چنین جوامعی مفهوم سیاست، به دلیل ضعف ساختاری فوق، به طور جامع شناخته بر شخصیت های سیاسی نهادینه و کریستالیزه می شود. ولی این نهادینه شدن شخصیت سیاسی مورد بحث، نسبت به جوامع و عنا صریحاً سی مختلف به گونه ای متفاوت و متناسب با روشنا سیاسی اجتماع می کند. موضوع را با یک مثال پی می گیریم. (۱۲)

شیخ احمد یاسین به عنوان یک تجربه مشخص از نهادینه شدن یک شخصیت کریستالیزه در انقلاب فلسطین قابل تامل و تعمق است. او به عنوان رهبر معنوی و سمبولیک جریانات افراطی اسلامی در سرزمین های اشغالی با اتخاذ مواضع "ضد یهود" در قبال اسرائیل، رفته رفته میا مشروعیت جا معه شناختی کسب می کند. وی با اینکه در دهه های ۱۹۷۰ اندیشه مشخص در زمینه مسائل سیاسی و اجتماعی، و لی از ابتدای انتفاضة یک و دو کم جوانانی را که از تشکیلات خود مختار فلسطین مایوس می شوند به سوی خود جذب می کند. مورد شیخ یاسین نشان می دهد که در جوامع عقب نگهده شده و تحت سلطه، در فقدان نهاد های دمکراتیک، روشنا سیاسی اجتماعی مردم برای پاسخ به مطالبات سیاسی و اجتماعی شخصیت های میل می کند که از نظر آنان این شخصیت ها آرمانشان را سمبولیزه می کنند.

با اشراف به مکانیزم فوق است که بقیه در صفحه ۱۹

## نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سر دبیر: زینت میرهاشمی

تحریریه: لیلا جدیدی

منصور امان

حعفر پویه

زینت میرهاشمی

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبرد خلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبرد خلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبرد خلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای اشتراک نبرد خلق با آدرسهای نبرد خلق تماس بگیرد

بهای اشتراک سالانه

اروپا معادل	۲۰ یورو
آمریکا و کانادا و سوئد	۳۳ دلار
استرالیا	۵۰ دلار
تک شماره	۱ دلار

## سرمای تهران همچنان

## قربانی می گیرد.

جعفر پویه

آمارهای منتشر شده توسط دستگاههای مختلف رژیم، اگرچه همواره با حقیقت فاصله بسیاری دارند، اما از سیر صعودی آسیبهای اجتماعی حکایت می کنند. رژیم ولایت فقیه که در ظاهر خود را مدافع "مستضعفین" می نامد، از نظر آماری بالاترین دستاوردش آسیبهای اجتماعی است که حاصل سیاستهای ضدانسانی رهبران آن است. نگرانی و استرس دایمی حاصل از شرایط وخیم اجتماعی، هر موجود قدرتمندی را در دراز مدت از پای درمی آورد. عدم آزادی و نگرانی از آینده که مشغولیت ذهنی میلیونها انسان در ایران است، باعث می شود تا آنان در بن بست ساخته شده توسط حاکمیت گرفتار شده و برای رهایی از آن، تلاشهایی را سامان دهند که به تخریب شخص می انجامد. از همینجا آمارهای سرسام آور اعتیاد شروع می شود، درگیریهای خانوادگی که پایه اکثر آنان و عدم آرامش و تعادل عصبی است، کانونهای خانوادگی را مورد تهاجم قرار می دهد و دادگاههای طلاق هر روز شلوغ تر و فرار از خانه بیشتر می شود، بیکاری و عدم امکان تامین معاش از یک سو شانه به تن فروشی می ساید و از سوی دیگر، دزدی و بزهکاری را بیشتر می کند. در این وانفاسی بحران اجتماعی، خیابان خوابها و بی خانمانها از همه بیشتر در معرض خطر قرار دارند. پایوران رژیم جمهوری اسلامی که خود را نمایندگان خدا در روی زمین می دانند، بخشی از در آمد های کلان حاصل از فروش نفت را صرف خرید تجهیزات برای ساخت بمب اتمی می کنند و مازاد آنرا یا به هزینه نهادهای سرکوبگر و تروریستی می رسانند و یا با تصویب لایحه و قانون بین خود تقسیم می کنند. در خوان یغمایی که در برابر نمایندگان خدا گشوده شده است، یک قلم ۸۵ میلیون دلار از محل صندوق ذخیره ارزی به بسیج و کمیته امداد می رسد. اما همزمان و در مدت کوتاهی، دهها نفر در خیابانهای تهران در همسایگی همین جانپان از سرما یخ می بندند و می میرند. و هنگامیکه تعدادی دانشجو در برابر استانداری تهران تجمع کرده اند و دلیل عدم ساماندهی بی خانمانها را جويا می شوند، فیض، معاون اداره کل سیاسی و امنیتی استانداری می گوید که ۱۸۰ نفر از آنان را تا کنون سامان داده اند. این در حالی است که موسوی لاری، تعداد خیابان خوابهای تهران را ۶ هزار نفر اعلام می کند. هرچند بنا بر شواهد موجود، آمار آقای فیض از تعداد سامان یافتگان ساختگی است اما اگر یک لحظه آنرا باور کنیم که در این مدت حدود ۶۰ نفر از سرما مرده اند و حدود ۱۸۰ نفر شبها جان پناه دارند، به نسبت یک به سه دست خواهیم یافت. حال اگر تعداد کل را ۶ هزار نفر در نظر بگیریم، ببینید که سردمداران رژیم چه خواب ددمشانه ای برای این مردم از همه جا رانده و از همه جا مانده دیده اند!

## جا معه ثنا سی

## انقلاب فلسطین

## (قسمت اول)

بقیه از صفحه ۱۸

به اعتقاد نگارنده عرفات نتوانست در مدت زمان مداریش از قالب یک رهبر چریکی و کاریسما تیک خارج گردید و در یک گذار دمکراتیک تبدیل به یک رهبر سبونیل گردید. تجربه جوانی مع د مکر تیک به ما می آموزد که تمرکز همه جا نبه قدرت در دستا ن یک نفر در دراز مدت به زیان پروسه دمکراتیزه کردن جا معه و نیز به ضرر نهدا ینه کردن تفکیک قوای سه گانه حاکمیت است. در یک قیا س سا ده انگارانه فقط به منظور فهم مطلب، نلسون ماندلا ولین رهبر کریسما تیک است که با کنا ره گیری از قدرت تلاش نمود تا به پروسه تفکیک قوا و جابجایی قدرت از طریق انتخابات عمومی درآ فریقای جنوبی کمک نماید. به عبارت بهتر تشکیلات خود مختار فلسطین پس از به دست گرفتن حاکمیت سیاسی، ساختار نظامی و سلسله مراتب هرم قدرت قبلی را که در شخصیت عرفات تعریف می شد کاملاً حفظ کرده بود درحالی که در دوران تغییر کرده بود و انتظار می رفت که عرفات از زخود دنیا میز و تحرک بالاتری نشان دهد و این نقیصه بخشی از بیلایان منفی حاکمیت سیاسی عرفات است.

فاز سوم، فاز حاکمیت "را دیکالها" و ترور ادامه دارد

## ملاهای زن ستیز زیر چادرهای سیاه، در

## مجلس ارتجاع

بقیه از صفحه ۲۰

جمهوری اسلامی است که باید "از بین برود". تمامی آمارها حاکی از رابطه رشد فساد با فقر روزافزون تحت حکومت ملاها می باشد. فقری که به دست کارگزاران حکومت و دزدیهای کلان آنها در جامعه ایجاد گشته است.

رژیم جمهوری اسلامی از سر آغاز موجودیتش، تنها توسط خشونت و حذف فیزیکی با ناسامانها و اعتراضات مردمی نشات گرفته از آن، برخورد کرده است. این برخورد در همه زمینه ها، تاثیر واژگون برجای گذاشته است.

۲ آذر ۱۳۸۳



اخبار و گزارشهای جنبش کارگران، مزدبگیران و کارکنان ایران، اخبار تحولات ایران، عراق و مسائل بین المللی مربوط به آن، اخبار و دیدگاههای جنبش زنان را هر روز در سایت ایران - نبرد بخوانید.

## آدرس نبرد خلق در شبکه جهانی اینترنت

www.iran-nabard.com

E.Mail:nabard@iran-nabard.com

## جنگ خبر

اخبار روزانه را در جنگ خبر بخوانید

www.jonge-khabar.com

## جنگ صدا

برای شنیدن آخرین خبرها و تفسیر سیاسی و خبری، روزهای شنبه هر هفته به جنگ صدا گوش دهید.

www.jonge-seda.com

# NABARD - E - KHALGH

No : 234 21. Dec . 2004 / Price: \$ 1 - 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE  
NABARD / Postbus 9458 / 1006 AL Amsterdam / HOLLAND  
NABARD / Post fach 102001 / 50460 Koln / GERMANY  
NABARD / P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A  
NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

## ۲۵ نوامبر روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان

زینت میرهاشمی



در حالی روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان را پشت سر می گذاریم که در گوشه و کنار جهان خشونت به طور روزمره بر زنان اعمال می شود. خشونتی که به بلندای تاریخ قدمت دارد. اگر دیواره زمان را شاهد بگیریم باز هم از رنجها، ستمها و آسیبهایی که بر زنان روا شده، باز هم به ابعاد و عظمت این خشونت پی نخواهیم برد. کنشگران مبارزه علیه خشونت و رفع تبعیض جنسی از زنان، در فرایند زدودن انگاره های مردسالاری راهی طولانی در پیش دارند.

موارد خشونت علیه زنان در همه کشورها با آمارهای متفاوت وجود دارد. همسر آزاری، تجاوز سربازان به زنان در جنگها، خشونتهای محیط کار از جمله موردهای خشونتی هستند که بر زنان گوشه و کنار جهان اعمال می شود. در کشورهای غربی نهادهایی وجود دارد که زنان خشونت دیده را جای می دهد و مرکزی وجود دارد که مردان خشن را به عنوان بیماران اجتماعی مداوا می کند.

اما در کشورهای زیر سلطه بنیادگرایان و دیکتاتورها وضع به گونه ای دیگر است. در این کشورها علاوه بر خشونت خانوادگی که بر زنان اعمال می شود، خشونت حکومتی را هم باید به آن اضافه کرد. فاجعه آن جا خود را نشان می دهد که در این جوامع خشونت مردان خانواده بر زنان بخشی از حق مردان محسوب شده و توسط قانون حمایت می

شود. علاوه بر این کودکان از زمانی که دختر به دنیا می آیند شانه هایشان زیر بار سم و خشونت سنتها و فرهنگ مردسالارانه حاکم بر این جوامع سائیده می شود. فرهنگی که به کمک قوانین شرعی، هر چه بیشتر نهادینه می شود. نگاهی به ایران بکنیم. ابعاد خشونت بر زنان از چهار دیواری خانواده گذشته به کوچه و خیابان، به مدارس و دانشگاهها کشیده شده است. از پوشش تا عاطفی ترین و خصوصی ترین روابط زنان، از حال تا آینده زنان، همه در قل و زنجیر نظام مردسالارانه گرفتار است. در طی ۲۵ سال عمر استبداد مذهبی حاکم، اعمال خشونت بر زنان آنقدر گسترده شده که زنان را به عرصه هایی از استفاده از خشونت برای دفاع از خود کشانده است. آمار زمانی که در دفاع از خود دست به قتل زده اند، افزایش زنان در زندانهای عادی، همه واکنشی در برابر خشونتی است که به طور روزمره و لحظه به لحظه از طرف خانواده و حکومت علیه زنان اعمال می شود.

در زندانهای جمهوری اسلامی، زنان و دخترانی وجود دارند که در دفاع از خودشان دست به قتل زده اند و یا فقط به صرف داشتن روابط جنسی خارج از معیارهای حکومتی در انتظار اعدام، سنگسار و ... هستند. عاتقه رجبی در ۱۶ سالگی به جرم داشتن روابط خارج از معیارها و ارزشهای حکومتی در ۱۵ اگوست در شهر نکا به دار آویخته شد. ژیلای ایزدی دختر ۱۳ ساله ای که به جرم ارتباط با برادر ۱۵ ساله خود به شلاق و سنگسار محکوم شده است. فعالیتهای گسترده نهادهای مدافع حقوق بشر، ایرانیان آزاده و فعالان حقوق بشری تا کنون در جلوگیری از سنگسار و قصاص چند زن موثر واقع شده است. اما تا زمانی که این احکام قرون وسطایی در قانون حک شده اند جان زنان و دختران جوان تهدید می شود.

مبارزه با خشونت خانوادگی و همسر آزاری ارتباط مستقیم با خشونتهای حکومتی دارد. باید همه قوانینی که این خشونتها را رسمیت می بخشد نابود گردد. لغو اعدام، سنگسار، قصاص از جمله مواردی است که در بلندای مبارزه کنشگران حقوق بشر وجود دارد.

۶ آذر

## ملاهای زن ستیز زیر چادرهای سیاه، در مجلس ارتجاع

لیلا جدیدی

در پی ارایه راه حلی که عشرت شایق، یکی از زنان ارتجاعی فراکسیون زنان مجلس رژیم مبنی بر "اعدام زنان خیابانی" جهت حل این معضل اجتماعی، داده بود، فاطمه آلیا، یک زن دیگر عضو این فراکسیون به اظهار نظر پرداخت. او برای روش کردن اذهان معترض به این راه حل جنایتکارانه و شرم آور گفت: "نباید بر اساس اظهار نظر یک نماینده تصویری در جامعه بوجود بیاید که کل فراکسیون زنان مجلس هفتم معتقد به اعدام زنان خیابانی است." فاطمه آلیا که می کوشید دیگر زنان عضو این فراکسیون اندرونی را تبرئه کند گفت: "این ایده ها و نظرهای شخصی است و نمی توان آنها به کل مجلس تعمیم داد."

پیش از آنکه این سوال مطرح شود که ابراز نظر خانم نماینده ایده ونظری شخصی است یا دیدگاه کل مجلس را در بر می گیرد، راه حل بیرون آمده از نهاد قانونگذاری حکومت، بار دیگر پس مانده گی ایدیولوژیک اعضای آن را به نمایش می گذارد. قانونگذاران جمهوری اسلامی از مدافعان نقض حقوق بشر هستند و در این راه خود پیشگام ارایه راه

## شهادت فدایی دی ماه

رفقا: فتح الله کریمی - خاطره جمالی - مرتضی حاج شفیعی ها - حسین محمودیان - مرتضی احمدی - سیروس قصیری - محمد زین الدینی - یوسف زرکاری - فاطمه حسن پور اصلیل - بهمن روحی آهنگران - مسرور فرهنگ - حسن نوروزی - فاطمه (شمسی) نهانی - شاهرخ میثاقی (اولین شهید جنبش دانشجویی خارج کشور) - خدابخش شالی به دست دژخیمان شاه و خمینی در مبارزه برای دموکراسی و سوسیالیسم از سال ۱۳۵۰ تاکنون به شهادت رسیدند.

للهای مبتکرانه نیز می باشند.

باوجود تلاش بسیار، آخوند چادری فاطمه آلیا، بار دیگر براین واقعیت مهر تایید گذاشته و زنان خیابانی را با بیماری اعضا بدن مقایسه می کند. او می گوید: "عضو ناقص را یا باید درمان کرد و یا از بدن جدا کرد."

اما ریختن آبروی نداشته همچنان ادامه می یابد. عشرت شایق، عضو کمیسیون اصل نود مجلس حکومت اسلامی که اکنون دیگر مورد نفرت بیشتری قرار گرفته است، خود به صحنه می آید و تلاش می کند که این بارتقصیر را متوجه مطبوعات کرده و توضیح می دهد، منظورش "خانه های فساد و اداره کننده گان آن بوده است" و باین وجود ادامه می دهد: "اگر عوامل فساد در جامعه از بین نروند مثل ویروس همه جامعه را مریض می کنند." زن مرتجع، آنجا که سخن از نهاد خود می راند، اعدام را بار دیگر به عنوان راه حل شناسایی می کند. عامل فساد در سرزمین ایران، رژیم

بقیه در صفحه ۱۹